

# نبرد خلق

کارگران همه ی  
کشورها  
متحد شوید

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

## یادداشت سیاسی

وقتی «جبهه مشارکت»  
بی دنده و ترمز می شود.

مهدی سامع

طی ده سال گذشته رویدادهای مهمی در کشور ما به وقوع پیوسته که از جنبه های مختلف می توان آن را بررسی کرد. صعود و سقوط دار و دسته سید محمد خاتمی که به دروغ خود را اصلاح طلب می نامیدند هم جنبه ترازدی و هم جنبه کمدی داشت.

آنها با هیاهو قوه مجریه و مقننه را قبضه کردند تا بگویند که نقشی جز تدارکچی دربار ولایت ندارند و هر جا که مصلحت اقتضا کند شمشیر سرکوب را صیقل می دهند و خیلی زود معلوم شد که مارک اصلاح طلبی بر عیای خاتمی و دارودسته اش قلابی تر از آنست که بتوان با لیخندمداری آن را به مردم قالب کرد. رسالت واقعی دارو دسته ای که خود را اصلاح طلب می نامیدند، زمینه سازی برای برآمد باند نظامی امنیتی احمدی نژاد بود و ترازدی حیات اصلاح طلبان قلابی درست همین نکته است که هم خود را از میدان سیاست به بیرون پرتاب کردند و هم به جنبش آزادیخواهی مردم ایران ضربه های سختی وارد کردند.

جنبه کمدی موجودیت اصلاح طلبان قلابی که البته در نوع خود در تاریخ معاصر ایران بی سابقه است در آنجایی بروز می کند که آنها سوار قطار بی ترمز و دنده می شوند و همه ی ادعاهای مبنی بر جامعه مدنی را برای ساختن جهان احمدی نژادی قربانی می کنند.  
بقیه در صفحه ۲

## سر مقاله

تکاندن مُنجی ثبات از  
آستین شعبده

منصور امان

کفگیر دستگاه سیاسی و دیوان سالاری دولتی ارتجاع اسلامی حاکم بر کشور، چه در اداره ی امور جاری و پایه ای و چه در مدیریت بحران مناسبات خارجی خود به ته دیگ خورده است و اینک شتابزده، بی برنامه و به گونه غریبان تری خود را در پس مولفه های ایدئولوژیک مشروعیت حکومت دینی سازمان می دهد. تناسب مستقیم و آشکاری که میان تراکم تضادهای حل نشده و مشکلات بر زمین مانده داخلی و خارجی با تلاش برای توضیح و توجیه آنها به کمک دستهای غیبی آسمانی و عوامل پنهان زمینی وجود دارد، پیشاپیش تاثیر رفو و روتوش گرانه موعظه های حکومتی را به حداقل محدود کرده است. با این وجود، حکومتگران نه می خواهند و نه می توانند خود را از این تکیه گاه به ظاهر ارزان محروم کنند. و بسا بیشتر از آن، همراه با پیچیده شدن سولهایی که برای پاسخ گرفتن در برابرشان قرار می گیرد، وزن بیشتری از تنه خود را بر محرکهای فانتزی - دینی یله می دهند. هاله ی نوری که در نخستین روزهای صدارت باند نظامی - امنیتی در سالن مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک پدیدار شد، اکنون و آن گونه که آقای احمدی نژاد، گماشته ولی فقیه بر مسند ریاست جمهوری مدعی است، در حال اداره امور کشور و حتی فراتر از آن، منطقه و جهان است.  
بقیه در صفحه ۳

## سرنوشت مردم ایران و عراق

به هم گره خورده است

الف. آناهیتا  
در صفحه ۱۲

انتخابات مقدماتی آمریکا

گردآوری و نگارش، اسد طاهری  
در صفحه ۱۴

## خشونت حکومتی در برابر اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه و حمایت مردمی از کارگران



بیانیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به

مناسبت اول ماه مه

صفحه ۶

سویه اقتصادی رژیم ویرانی  
صنعت و تولید داخلی است

زینت میرهاشمی  
در صفحه ۵

لبنان، سرزمینی بین چرخ دنده  
ماشین بحران

جعفر پویه  
در صفحه ۱۰

## جهان در آینه مرور

لیلا جدیدی

در این شماره می خوانید:

- ایتالیا، شکست چپ و روی کار آمدن جناح راست نتو فاشیست  
- دیدگاه هایی پیرامون علل کمبود مواد غذایی در جهان

در صفحه ۸

## یادداشت سیاسی

## وقتی «جبهه مشارکت»

## بی دنده و ترمز می شود.

بقیه از صفحه ۱

یادشان می رود که یکی از عناصر مهم «قانونمداری» وجود دستگاه مستقل قضایی است و فراموش می کنند که جامعه مدنی در کشورهای اروپایی برای ایجاد نهاد مستقل قضایی چند صد سال بی وقفه تلاش کرده است. وقتی پای منافع «عمود خیمه نظام» پیش می آید، اصلاح طلبان قلابی ادعای «جامعه مدنی» و «قانونمداری» را یک جا به قربانگاه ولایت خامنه ای تقدیم می کنند. راز لبخندهای خاتمی وقتی گشوده می شود که تاریخ به این جریان بی بوته زهر خند می زند و آنها را وادار می کند که دست از دلک بازی بردارند و سیمای بی دنده و ترمز خود را برای همه به نمایش بگذارند.

موضع گیری «جبهه مشارکت ایران اسلامی» در برابر رای دادگاه تجدید نظر انگلستان بروز این جنبه از ماهیت ارتجاعی اصلاح طلبان قلابی است.

ابتدا مروری کوتاه به جریان این دادگاه و رای آن می کنیم.

صبح روز چهارشنبه ۱۸ اردیبهشت امسال (۷ مه ۲۰۰۸) دادگاه تجدید نظر بریتانیا به ریاست قاضی القضاة نیکلاس فیلیس درخواست وزیر کشور انگلستان برای استیناف خواهی از حکم مورخ ۹ آذر سال پیش (۳۰ نوامبر ۲۰۰۷) کمیسیون استیناف سازمانهای ممنوعه (پوئک) را رد کرد. رئیس کل دادگاه استیناف لندن در حکم خود اعلام کرد که «درخواست استیناف از سوی جکی اسمیت، وزیر کشور هیچ پایه منطقی برای پذیرفتن ندارد».

بدین ترتیب حکم پوئک مبنی بر حذف نام سازمان مجاهدین خلق ایران از لیست سازمانهای ممنوعه قطعیت می یابد و امکان فرجام خواهی از آن وجود ندارد. پوئک پس از رسیدگی طولانی به این پرونده اعلام کرده بود سازمان مجاهدین خلق ایران درگیر تروریسم نیست و نامگذاری آن در لیست مزبور «غیر قانونی» و «غیر عقلانی» بوده و بر همین اساس به وزیر کشور دستور داد که با ارائه لایحه ای به پارلمان اسم این سازمان را از لیست سازمان های ممنوعه حذف کند.

این فشرده حکم تاریخی دادگاه تجدید نظر بریتانیا بود. لایه دار و دسته خاتمی به خوبی می دانند که طی چه بده و بستانهایی در مذاکرات با آقای جک استراو که در سال ۲۰۰۱ وزیر کشور بریتانیا بود، نام سازمان مجاهدین را وارد لیست کردند. ۴ سال بعد جناب جک استراو راز این نامگذاری که البته برای آگاهان سیاسی روشن بود را بر ملا می کند و در مصاحبه با کانال ۴ بی بی سی می گوید: «در اولین ملاقاتی که من با یک وزیر خارجه ایران، کمال خرازی، داشتم، که الان از آن زمان حدود ۴ سال می گذرد، من نگرانی شدید خود را در مورد ادامه حمایتها از گروههای تروریستی ابراز داشتم و در همان زمان آنها از من درخواست کردند و موفق

هم شدند که ما گروه مجاهدین خلق را که علیه رژیم ایران فعالیت می کرد را ممنوع کنیم.» با توجه به اظهار نظر جک استراو و با توجه به حکم دادگاه تجدید نظر بریتانیا، هر کسی که مدافع «قانونمداری» و «جامعه مدنی» باشد باید به حکم دادگاه صحنه گذاشته و از این که یک نیروی سیاسی ایرانی در یک مصاف حقوقی و مدنی در یکی از کهن ترین نهادهای قضایی جهان به پیروزی دست یافته ابراز خوشحالی کند. اما ببینیم طرفداران سید محمد خاتمی چه می گویند.

جبهه مشارکت ایران اسلامی «اقدام دادگاه انگلیس در صدور حکم مبنی بر خروج نام سازمان تروریستی مجاهدین خلق از فهرست گروههای خشونتگرا و تروریست، اقدامی جانبدارانه و مغایر با موازین حقوقی و مستندات تاریخی است که آشکارا ماهیت و سابقه خشونتگرا، مخرب و آشوب طلب این سازمان را نادیده گرفته است.» بنابراین «جبهه مشارکت ایران اسلامی... نسبت به تبعات صدور این حکم به ویژه احتمال فعال شدن مجدد شاخه نظامی و چوخه های ترور آن در فضای ناامن کشور عراق، اقدامات کور این سازمان در ایران و اروپا و بالا گرفتن موج خشونت در منطقه، هشدار می دهد و دولت و دستگاه قضایی انگلستان را به تجدید نظر اساسی در این حکم و محدود و ممنوع کردن فعالیت اعضای این سازمان در آن کشور فرا می خواند.»

اصلاح طلبان قلابی خود را به حماقت می زنند و توجه ندارند که دستگاه قضایی بریتانیا با بیدادگاههای قاضی مرتضوی تفاوت ماهوی دارد. در مورد «تبعات صدور این حکم» و «بالا گرفتن موج خشونت در منطقه» که در حقیقت «تهدید» بریتانیا از جانب رژیم ایران به منظور تأثیر گذاری در اقدام بعدی دولت انگلیس می باشد، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بسیار شفافتر از این آقایان که در اطلاعیه بی ترمز و دنده خود دلک بازی کرده اند، صحبت می کند. به گزارش خبرگزاری انتخاب پاسدار محمد علی جعفری روز ۲۵ اردیبهشت امسال در نخستین روز از اجلاس دو روزه دادستانهای سراسر کشور سخن گفت: «امروز مقابله با تهدید نظامی از مرزهای ایران فراتر رفته و امنیت دفاعی ایران در مقابله با تهاجمات خارجی در خارج از مرزهای ایران اتفاق می افتد... و انقلاب اسلامی از خارج تهدید نمی شود... آن چه باید دغدغه ما باشد، تهدیدات داخلی است.»

ملاحظه می شود که فرمانده کل سپاه پاسداران بسیار شفافتر از اصلاح طلبان قلابی هم تهدید اصلی که همان تهدید داخلی است و هم راهکار دفاع از امنیت دربار خامنه ای که همان صدور بحران و تروریسم به خارج از مرزهای ایران است را مشخص کرده و بنابراین اگر دولت بریتانیا بخواهد به حکم الزام آور دستگاه قضایی کشور خود تن ندهد و یا این حکم را با حيله های مختلف دور بزند، نه به خاطر اطلاعیه اصلاح طلبان قلابی بلکه در برابر آن چه خامنه ای طراحی کرده و احمدی نژاد و محمد علی جعفری آن را اجرا می کنند، می باشد. دوران شعبده بازی و عوامفریبی سپری شده و در صحنه واقعی جامعه ایران ارتجاع و ترقی در مقابل هم صف آرایی کرده اند. ما سوگند همیشگی اصلاح طلبان قلابی را که سفت و سخت به «جبهه ارتجاع» چسبیده اند را از همان روز ۳ خرداد ۱۳۷۶ باور کردیم.

## اثبات حقانیت مبارزه مردم ایران و

## مبارزان آن در دادگاه انگلیسی

جعفر پیویه

سازمان مجاهدین خلق ایران و طرفداران آن روز گذشته (چهارشنبه)، برنده دادگاه ویژه ای شدند که ادعای دولت انگلیس مبنی بر تروریست بودن آن سازمان را بررسی می کرد. برچسب تروریستی به مجاهدین خلق در گذشته توسط دادگاه دیگری در انگلیس رد شده بود اما دولت این کشور آنرا نپذیرفت و در خواست تجدید نظر در آن را کرد. پرونده حقوقی شده وزیر کشور انگلیس پس از مدتها کشمکش دیروز در دادگاه دیگری بررسی شده و سه قاضی دادگاه تجدید نظر، دلایل دولت انگلیس در مورد سازمان مجاهدین خلق را غیر قابل پذیرش دانسته و دولت را ملزم به رعایت حکم دادگاه دانستند.

تصمیم به الصاق برچسب تروریستی به سازمان مجاهدین خلق در یک معامله غیر اخلاقی و شرم آور با رژیم ملاحه گرفته شد و در پی آن با محدود کردن این سازمان، غربی جانب کشورهای غربی در عمل استبداد مذهبی حاکم بر مردم ایران را گرفتند. اتحادیه اروپا که با پیروی از سیاست دولت آمریکا سازمان مجاهدین خلق را در لیست تروریستی خود قرار داده است، همچون دولت انگلیس به حکم محاکم قضایی گردن نمی گذارد و حاضر به پس گرفتن اتهام آخوند پسند اش نیست. زیرا مشابه همین حکم یعنی، غیر واقعی بودن برچسب تروریستی توسط اتحادیه اروپا به سازمان مجاهدین خلق توسط دادگاه عدالت اروپا صادر شده است اما سیاستمداران آن اتحادیه، همچنان از گردن نهادن به این حکم قانونی و لازم الاجرا طفره رفته و جانب سرکوبگران مردم ایران را گرفته اند.

برچسب تروریستی به اپوزوسیون ایرانی و یکی از سازمانهای قدرتمند آن یعنی، سازمان مجاهدین خلق ایران و طرفداران آن روز گذشته (چهارشنبه)، برنده دادگاه ویژه ای شدند که ادعای دولت انگلیس مبنی بر تروریست بودن آن سازمان را بررسی می کرد. برچسب تروریستی به مجاهدین خلق در گذشته توسط دادگاه دیگری در انگلیس رد شده بود اما دولت این کشور آنرا نپذیرفت و در خواست تجدید نظر در آن را کرد. پرونده حقوقی شده وزیر کشور انگلیس پس از مدتها کشمکش دیروز در دادگاه دیگری بررسی شده و سه قاضی دادگاه تجدید نظر، دلایل دولت انگلیس در مورد سازمان مجاهدین خلق را غیر قابل پذیرش دانسته و دولت را ملزم به رعایت حکم دادگاه دانستند.

تصمیم به الصاق برچسب تروریستی به سازمان مجاهدین خلق در یک معامله غیر اخلاقی و شرم آور با رژیم ملاحه گرفته شد و در پی آن با محدود کردن این سازمان، غربی جانب کشورهای غربی در عمل استبداد مذهبی حاکم بر مردم ایران را گرفتند. اتحادیه اروپا که با پیروی از سیاست دولت آمریکا سازمان مجاهدین خلق را در لیست تروریستی خود قرار داده است، همچون دولت انگلیس به حکم محاکم قضایی گردن نمی گذارد و حاضر به پس گرفتن اتهام آخوند پسند اش نیست. زیرا مشابه همین حکم یعنی، غیر واقعی بودن برچسب تروریستی توسط اتحادیه اروپا به سازمان مجاهدین خلق توسط دادگاه عدالت اروپا صادر شده است اما سیاستمداران آن اتحادیه، همچنان از گردن نهادن به این حکم قانونی و لازم الاجرا طفره رفته و جانب سرکوبگران مردم ایران را گرفته اند.

برچسب تروریستی به اپوزوسیون ایرانی و یکی از سازمانهای قدرتمند آن یعنی، سازمانهای قدرتمند آن یعنی،

## سرمقاله ...

## تکاندن مُنجی ثبات از آستین شعبده

بقیه از صفحه ۱

خطر ابتدالی که رهبران و دولتمردان جمهوری اسلامی ترویج کرده و راهنمای عمل خود قرار داده اند، به یک کلام در ناهمگونی خرد کنند و مُصیبت بار بین مُشکلات بزرگ و راه حل‌های ساده نهفته است؛ راه حل‌هایی که در حقیقت برای مُواجه نشدن با چالشها و جوارو کردن آنها زیر فرش ابداع شده اند.

## مسائل حل نشده

آن چه که رژیم جمهوری اسلامی به یقین نمی تواند از کمبود آن گله مند باشد، تنگنمایی از این دست در تمام حوزه های حُکمرانی خود است که به گونه بیهوده ای در انتظار روزنه گشایش مانده اند. ترکیب ویرانگری از فساد دولتی، ناکارآمدی دستگاههای اداره کننده و فشار تحریمهای بین المللی، سطح زندگی و کار میلیونها شهروند ایرانی را با شتابی شگفت آور، هر چه عمیق تر به درون بُحران معیشتی و تنگنای زندگی روزانه می کشد و هیچ قشری از کارورزان پیدی و فکری را، مُستقل از آن که در استخدام دولت باشند یا دستمزد خود را از کارفرمای خصوصی دریافت کنند، از این سُقوط آزاد برکنار نمی دارد. تورم ۵۰ درصدی و بیشتر، آخرین ته مانده های پس انداز اینان و طبقه متوسط شهری را می بلعد و نگرانی از آینده را به اعتراض به حال و جبهه گیری در برابر آن بر می کشد.

نو - لیبرالیسم تجاری نظامی - امنیتی، نه فقط نان خالی مردم و سقف بالای سر آنها را به سوخت ماشین پول سازی و نفع رسانی خود بدل ساخته است بلکه، با آزمندی و گستاخی بی پرده تری اشتغال خویش در کندن ریشه ی تولید داخلی و حاکمیت انحصاری بر بازار را بی می گیرد.

همه ی تلاش گماشتگان دولتی آیت الله خامنه ای حفظ این مناسبات و حداکثر، هضم پذیر کردن آن برای کسانی است که با آثارش دست به گریبان شده اند. به رسمیت شناختن حق کار و زندگی انسانی و شرافتمندانه برای تمامی افراد جامعه، آخرین اقدامی است که می تواند برای ثبات این روابط مفید افتد.

در پهنه روابط خارجی، جایی که رژیم مَلاها به عنوان منبع تولید اقتدار و چوب زیر بغل ثبات خود بدان می نگرد

نیز شرایط هر چیزی به جُز مطلوب است. مناسبات جمهوری اسلامی با آمریکا و متحدان اروپایی اش با وجود رونق گرفتن دوره ای دیپلماسی پنهانی، مذاکرات امنیتی در عراق و باز شدن میدان عقب نشینی به مدد گزارش اژانسهای اطلاعاتی آمریکا، در پُر آشوب ترین وضعیت خود از هنگام شکل گیری بُحران به سر می برد. همزمان، کشورهای عربی منطقه خاورمیانه و خلیج فارس، نگران از ماجراجوییهای نظامی و سیاسی رهبران جمهوری اسلامی، تهدیدات مُستقیم و غیر مُستقیم آنها علیه خود را جدی گرفته و در کنار ایالات مُتحده به حلقه ی مُحاصره رژیم مَلاها پیوسته اند.

تدبیرهایی که جمهوری اسلامی در برابر این شرایط به کار می بندد، از آن رو که میدان مانور محدودی در اختیار دارند و به بیان بهتر، در فضای خالی بین انتهای بُن بست و نقطه ای که اندیشیده شده اند حرکت می کنند، تنها در خدمت تشدید بُحران قرار گرفته و اغلب نتایج خود غرضانه و بازگونی ای در پی دارند. آنچه که در کردستان عراق، بصره یا بیروت جریان یافت و همچنین نمایش سانترفیوهای بیشتر و پیشرفته تر، درونمایه ی راهکار جمهوری اسلامی برای کاستن از بار فشار را به صورت از این شانه به شانه دیگر افکندن آن جلوه گر ساخته است. رژیم مَلاها بدون آن که به طور واقعی راه حلی برای تنظیم مناسبات خارجی خود داشته باشد، فشار بُحران مُتراکم و در آستانه انفجار را با ایجاد کانونهای جدید بُحران و نقاط اصطکاک و درگیری بیشتر، تخلیه می کند. اگر بتوان پنجه کشیدن گریه به تله افتاده در کیسه را راه خروج و نجات وی شمرد، آنگاه تدبیر و تاکتیکهای آیت الله خامنه ای و انصار نیز شایستگی یدک کشیدن عنوان راه حل را خواهند یافت.

## تلاشی درونی

دستگاه حاکمه جمهوری اسلامی در حالی به تضادها و ناهمگونیهای تشدید شده و تکثیر یافته در پهنه داخلی و خارجی خیره می نگرد که اجزای درونی آن با حرارت و اشتیاقی روز افزون به دفع و خنثی کردن یکدیگر مشغول هستند. اگر چه وجود اختلاف و رقابت بین باندهای قدرت در جمهوری اسلامی پدیده تازه ای نیست اما چگونگی حل و فصل این مُنازعات در دوران "یکپارچگی"، بی گمان از شکل گیری کیفیت جدیدی در مناسبات آنها خبر می دهد.

نامه نگاری و جدال علنی رووسای دو قوه مُجریه و مُقننه، آقایان احمدی نژاد و حداد عادل با یکدیگر نه فقط شکل بلکه، درونمایه ی کشمکش باندها را به معرض تماشا و ارزیابی گذاشت.

مُشاجره ی این دو، شکل گیری جُداگانه کانونهای قدرت در راس هرم و دامنه و مفهوم عملی آن را به گونه تکان دهنده ای برجسته و آشکار کرد. در این نمونه (انتخاب دلخواهی قوانین از سوی دولت برای اجرا و در پاسخ، مُصادره ی وظایف اجرایی دولت از سوی نهاد قانونگذار) مدل ساختاری نظامی - امنیتی جلوه گر شده است؛ پیکره ای که در آن تقسیم قدرت همزمان به معنای ایجاد قلمروهای مُستقل اعمال آن نیز هست و به گونه ی طبیعی، تجزیه منابع سیاست گذاری، تصمیم گیری و مُدیریت اجرایی را از سر به بدنه نیز گسترش می دهد.

تقویت این فرآیند محصول بی واسطه ی یکدست سازی قدرت از سوی ولی فقیه و باند اوست. اگر در گذشته شکاف بین قدرت واقعی و نهادهای عُرُفی حُکومت، به معنای باز شدن میدان مانور و نقش آفرینی رهبر نظام بود، اکنون با تصرف یکپارچه ی ابزارهای اجرایی و قانونگذاری از سوی وی و مُریدانش، زمین بازی و دایره تأثیر گذاری "رهبر" در امر کنترل گرایشهای جاه طلب و حریص باند خود و ایجاد توازن بین آنها، به شدت محدود و به روشنی خط کشی شده است. آنچه که توان بند بازی آیت الله خامنه ای را کاهش می دهد، ناگزیری او به حفظ مجموعه نیروهای و جلوگیری از چند پاره شدن پروژه یکپارچه سازی است.

## امام زمان ظهور می کند

با توجّه به میزان نازل استحکام درونی دستگاه قدرت و اولویتهای برنامه ای آن - که منافع جامعه و سرنوشت تاریخی کشور را در بر نمی گیرد - هیچ هنگامی ضروری تر از اکنون برای ظهور یک ناجی افسانه ای و نهادن مسئولیت پاسخ گویی به مردم و آرایه راه حل به گرده ی او، نمی تواند وجود داشته باشد. اینک زمان آن فرا رسیده است که پوپولیسم چاوزی "نفت بر سر سُفوه مردم" جای خود را به پوپولیسم فاشیستی "انسان برتر" و "آخرالزمان" بسپارد تا مُشکل زمینی آب و نان در جایگاه سرنوشتی مقدس و خواسته شده از جانب نیروهای مافوق طبیعی قرار بگیرد و تصویر عینی شرایط موجود و چشم انداز آن، با پرده نقالی "ارماگدن" اسلامی و مُعجزه ی به یک اشارت بهشت برین استوار شود. سقف مطلوب "نظام"، تغییر جهت انتظارات و مُطالبات از خود به سوی این تابلوی آشپزخانه ای رنگ و روغن زده شده است.

فاصله بین سبزی فروشی محله ی آقای احمدی نژاد، جایی که قیمت‌های جادویی خیل تهیدستان را به سر شوق می آورد، تا سوپر مارکت "امام زمان"

که در آن هر جنسی و فراتر از آن را با کمیت و کیفیت روبایی می توان یافت را پُلی از جنس بتون فشرده ناراضیاتی گسترده، فشار اجتماعی، اختلافهای داخلی و بُحران خارجی به یکدیگر پیوند می دهد. واکنش از سر درماندگی ولی فقیه به رویدادهای نامطلوب پیرامون خود که گماشته اش با ادبیات داروغه ای آن را "قطار بی ترمز" معرفی کرده است، در جُستجوی ابزار مشروعیت بخشی به سیاستهای خانمان برباد ده خود نیز به گونه تهاجمی، مولفه های دینی و باورهای تقدیری را جامه زمینی پوشانده و به جلوی صحنه می راند.

## صیقل خوردن بی اعتباری حُکومت دینی

این که استدلالهای فانتزی - دینی حاکمان، اکثریت جامعه ایران را به سختی می تواند قانع کرده و تحت تأثیر قرار دهد را فقط از زیر گرفتن کارگران گرسنه ی هفت تپه و خانواده های آنان با ماشین زره پوش یا به باد چُماق و باتوم گرفتن مردم تشنه و خشکسالی زده داراب نمی توان دریافت. در این میان حتی مَلاهای پُرنفوذ و مَکلاهای بلندپایه نیز به شکایت از بیهودگی این ترفند و تأثیرات باژگون آن برای پایه های دینی "نظام" می پردازند. و جالب این جاست که همچون دیگر موارد اختلافی که "رهبر" فعلی از حل آنها ناتوان است، این بار نیز سلف او، آیت الله خمینی است که باید دراز شده و مُرده ریگ اش برای پیدا کردن جنس جور به حیاط پرتاب شود. مُنتقدان خواهان آن شده اند که باند نظامی - امنیتی، آقای خمینی، همو که با بی مناسبت "دست غیبی" در اداره امور یا رویدادها را رصد می کرد، "امام زمان" خود را بر پُشت اسب در میادین جنگ به تاخت درآورده بود، دژخیمان واجد شرایط را به عنوان "سربازان گمنام" او ثبت نام می کرد و سر آخر موسس حُکومت دینی بر پایه ی نیابت از عالم غیب است را سرمشق قرار داده و با این ترم بازی نکنند!

واکنش جامعه ایران به بساط عوامفریبی آیت الله خمینی، تبدیل سکولاریسم به بستر خواسته ها و نیروی مُحرک خود بود. مُچاله شدن آیت الله خامنه ای و مُریدان در پس جان پناه خرد و بی تناسب "امام زمان"، بی اعتباری و ناکارآمدی حُکومت دینی و والیان آن را باز هم بیشتر در چشم و نظر جامعه صیقل می زند و خواست برقراری نظام سیاسی عُرُفی، مُنتخب و پاسخگو را یک گام بزرگ به مُطالبات روز و جاری نزدیک می کند.

## سویه اقتصادی رژیم ویرانی صنعت و تولید داخلی است

زینت میرهاشمی

## مهمترین رویدادها و حرکت‌های اعتراضی

## کارگران در

## اردیبهشت ۱۳۸۷

صبح روز شنبه ۳۱ فروردین امسال بیش از ۵۰۰ نفر از کارگران کارخانه قند بردسیر مقابل فرمانداری بردسیر تجمع اعتراضی کرده و خواستار ۷ ماه حقوق معوقه و عیدی و پاداش خود شدند.

به گزارش آژانس خبر این کارگران روز پنجشنبه ۲۹ فروردین نیز مقابل فرمانداری تجمع داشتند و درب انبارهای کارخانه را جهت جلوگیری از فروش قند توسط کارفرما قفل زده بودند و همچنین خیابان فرمانداری را بسته و مانع تردد خودروها شده بودند.

کارگران کارخانه یخچال سازی خرم آباد روز شنبه ۳۱ فروردین امسال در مقابل استانداری لرستان تجمع اعتراضی برگزار کردند. پرداخت نشدن حقوق، اخراج بی رویه کارگران و مشکلات تولید از جمله دلایل اعتراض کارگران است.

آخرین کارگر بازداشت شده کارخانه لاستیک البرز بامداد روز چهارشنبه ۴ اردیبهشت ۱۳۸۷ آزاد شد.

به گزارش دسترنج یکی از کارگران کارخانه لاستیک البرز به نقل از سایر همکاران خود از آزادی نظام علی نادری خبر داد. نظام علی نادری از کارگران فعال کارخانه لاستیک البرز بود که در جریان اعتراض‌های یازده روزه کارگری، همراه گروهی از همکاران خود بازداشت شد.

روز ۷ اردیبهشت امسال کارگران زغال سنگ البرز مرکزی که کارخانه آن در حاشیه شهر سوادکوه قرار دارد با برپایی اعتصاب سراسری به دلیل پرداخت نشدن حقوق و مزایا، در مکان این کارخانه تا پایان وقت کاری به گردهمایی اعتراضی دست زدند و خواستار رسیدگی مسئولان دولتی به خواسته‌های آنان شدند.

صدها تن از کارگران شرکت آونگان اراک روز شنبه ۷ اردیبهشت در اعتراض به عدم دریافت مطالباتشان در چند ماهه اخیر تجمعی اعتراضی در مقابل درب این کارخانه به راه انداختند. کارگران معترض در جاده اصلی منتهی به شهر تجمع کردند. به گزارش خبرنگار دانشگاه آزاد اراک پلیس ضد بقیه در صفحه ۵

است و ۷۰ درصد جامعه با ۴۰ درصد امکانات و درآمد کشور زندگی می کنند»

احمدی نژاد در مصاحبه با روزنامه اعتماد از بهبود وضعیت معیشتی مردم سخن پراکنی می کند و مدعی می شود که: «قدرت خرید سرانه و قدرت خرید مردم افزایش پیدا کرده است.»

رئیس دولت پاسداران برای فرار از عمق فاجعه اقتصادی، مسئولیت را از خود دور کرده و اعلام کرده است که «امام زمان» جامعه را «مدیریت» می کند.

به دنبال این اظهار نظر در مورد مدیریت امام زمان، خودیهای نظام آشفتنگی خود را به گونه های متفاوت نشان دادند. احمدی نژاد مدیریت سخنرانی خود در دانشگاه کلمبیا را «مدیریت امام زمانی» دانسته و مهدی کروی، از این که این «آبروریزی» چگونه می شود توسط امام زمان سازماندهی شده باشد اظهار تاسف کرده است.

مهدی کروی در رابطه با سخنان احمدی نژاد در دانشگاه کلمبیا گفت: «باید بگویم چند دیپلمات ایرانی به خاطر آن موضوع ضمن ابراز تاسف به من گفتند که آن سخنان آبروی ما را برد.»

در حالی که وضعیت خراب اقتصادی ایران، معاش مردم را بسیار سخت کرده است، پایوران رژیم ناتوانی خود را در برابر بحران مشروعیت نظام با شعارهای توخالی و مضحک بیان می کنند که این سخنان مورد تمسخر مردم قرار می گیرد.

پرویز داوودی معاون اول پاسدار احمدی نژاد گفت: «ایرانیان تمدن مدیریت و اداره دنیا را به ارث دارند و با خود یدک می کشند.» این کارگزار صدور بنیادگرایی منظورش نه مردم بلکه ولی فقیه و ایادی او هستند که فتح جهان اسلام و حکمروایی بر آن را از جمله حقوق خود به شمار می آورند. در حالی که فقط یک روز کافی است که به مردم فرصت داده شود تا تنفر خود را از این رژیم نشان دهند. داوودی با بی شرمی می گوید: «مردم ایران اسلام را به بهترین وجه پذیرفتند و مناسب ترین ظرف را برای شکوفایی اسلام در دنیا ایجاد کردند.» وی در سخنان خود به شکل مضحکی مدعی می شود که: «مردم ایران در سه دهه اخیر به صورت تصاعدی و فورانی رشد کرده اند.» پاسدار داوودی برای کارگران نیشکر هفت تپه چه جوابی دارد؟

در رابطه با خط فقر را «سیاه نمایی» اعلام کرد. بر اساس گزارش همشهری ۲۰ اردیبهشت ۸۷، سخنگوی وزارت رفاه، اعلام این اطلاعات را «اقدامی علیه نظام جمهوری اسلامی» محسوب کرده است. وی گوشزد کرده که در شرایطی که «فقر و نابرابری» در ایران موضوع کار نهادهای بین المللی و مدافعان حقوق بشر است، نباید چنین آماري منتشر شود.

وی این گونه آمارداندن را «همنویی با بیگانگان» اعلام کرده است. وی اعلام می کند که: «هیچ کجای قانون نیامده است که باید خط فقر را به مردم اعلام کنیم چرا که تشخیص می دهیم به نفع مردم نیست.» (روزنامه تهران امروز ۹ اردیبهشت ۸۷)

در حالی دولت پاسداران از تک نرخی شدن رقم بیکاری، کاهش تورم دم می زند، گردانندگان نظام ورشکسته آمارهایی خلاف نظر احمدی نژاد انتشار می دهند. وزیر کار در اوایل اردیبهشت اعلام کرد که نرخ بیکاری جوانان به ۲۰ درصد رسیده است. این در حالی است که دولت احمدی نژاد از تک نرخی بودن رقم بیکاری صحبت کرده بود.

یک کارشناس اقتصادی نظام به نام تقوی در رابطه با چشم انداز سیاستهای اقتصادی می گوید: «وقتی تورم و گرانی انباشته در جامعه وجود داشته باشد، و انگیزه ها برای تولید از میان برود این مشکلات اقتصادی در سرازیری جامعه به بهمنی مبدل خواهد شد که همه چیز را از سر راه خود می برد.» (روزنامه جمهوری اسلامی ۲۵ اردیبهشت ۸۷)

اگر کارگران و مزدگیران از خوردن گوشت تا کنون محروم بوده اند حالا برنج هم به کالای لوکس تبدیل شد. واردات برنج و چای، به کشاورزان ایران بسیار صدمه وارد کرده است. دولت با پایین آوردن تعرفه روی برنج، چای و شکر محصولات داخلی را به ورشکستگی و باندهای مافیای واردات را که دردستان هزار فامیل ملاها جریان دارد فربه تر کرده است. دولت تعرفه برنج را ۱۴۶ درصد کاهش داده که مافیای برنج هم به مافیای شکر و چای اضافه شده است.

سعید رحمت سمیعی، رئیس هیات مدیره سندیکای کارخانه های چای در گیلان می گوید: «از ۱۷۰ کارخانه چای، ۱۶۹ کارخانه به دلیل عدم امکان فروش چای تعطیل هستند.»

علی عسگری معاون اقتصادی معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی احمدی نژاد در ۱۷ اردیبهشت اعلام کرد که «تعداد فقرا حدود ۵۰ درصد جامعه

در اردیبهشت ماه، سلسله اعتراض‌های کارگران نیشکر هفت تپه تداوم داشت. حافظان نظم سرمایه در تقابلی بی شرمانه به کارگران نیشکر هفت تپه که با دستانی خالی و فقط با تکیه بر اراده خود به دفاع از حقشان برخاسته اند یورش برده و آنها را دستگیر و زخمی نمودند.

پیوستگی و سازمانیابی حرکت‌های اعتراضی کارگران و نیز حمایت مردمی از کارگران، از چالش‌های پیش روی رژیم در استان ولایت فقیه است. رویارویی مستقیم کارگران با ماموران، این حقیقت را ثابت می کند که نظم موجود مانع توسعه ای دموکراتیک و بهبود وضعیت معیشتی کارگران و مزدگیران است. نظم استبدادی مانعی جدی در امر سازمانیابی کارگران برای پیشبرد تلاش‌های برحقشان است. گزارش کامل اعتراض‌های اخیر کارگران نیشکر هفت تپه در پایان خواهد آمد.

با نگاهی به آمار و ارقام دولتی در مورد خط فقر و حقوق ۲۱۹ هزار تومانی کارگران با خانواده های تقریباً ۵ نفره، بخش کوچکی از فاجعه فقری که گریبان کارگران و مزدگیران را گرفته است، آشکار می شود. وضع صنعت و اقتصاد به برکت سیاست‌های رژیم آنقدر خراب است که در انعکاس آمارهای مربوط به فقر، خط فقر و فقر شدید اختلاف افتاده است.

تدوینگر نقشه جغرافیایی خط فقر، آمد ۴۰۰ هزار تومان را نشانگر خط فقر شدید کشوری و ۷۷۰ هزار تومان تا ۷۸۰ هزار تومان را خط فقر شدید در شهر تهران دانسته است. (منبع: همشهری ۲۰ اردیبهشت ۱۳۸۷).

راغفر، متخصص حوزه رفاه اجتماعی، رشد سالانه خط فقر را ۱۸ درصد اعلام کرده و می گوید: «خط فقر مطلق کشوری در سال ۸۳ تقریباً ۲۳۸ هزار تومان و در سال بعد ۲۷۶ هزار تومان، در سال ۸۵ برابر ۳۲۵ هزار تومان و در سال ۸۶ برابر ۴۰۰ هزار تومان» بوده است. وی می افزاید که: «در سال ۸۶، حداقل ۳۵ درصد جمعیت کشور در زیر خط فقر مطلق به سر می بردند.» (ایسا ۲۰ اردیبهشت ۸۷).

پایوران نظام به دادن آمار از طرف نهادهای وابسته دولتی اعتراض کرده اند. اگر چه داده های آماری توسط نهادهای حکومتی کمتر از واقعیت است اما همین هم موجب آشفتنگی در ویرانه های معبد نظام شده است.

وزارت رفاه و تامین اجتماعی جمهوری اسلامی آمارها و اطلاعات منتشر شده

## مهمترین رویدادها و اعتراض‌های کارگری

بقیه از صفحه ۴

شورش پس از دقایقی با فشار کارگران را از جاده به کنار راند. به گزارش دسترنج بیش از ۶۸۰ کارگر شرکت آونگان اراک در اعتراض به عدم دریافت حقوق معوقه و خط تولید کارخانه روز دوشنبه ۹ اردیبهشت جاده قم-تهران را مسدود کردند.

روز سه شنبه ۱۰ اردیبهشت امسال بیش از ۳۰۰ نفر از کارگران کارخانه آذرب در اعتراض به پائین بودن سطح دستمزد در این کارخانه و همچنین به مدیریت ضعیف و نالایق این کارخانه به مدت ۴ ساعت در مقابل ساختمان مدیریت این کارخانه تحصن کردند. به گزارش آژانس ایران خبر این کارگران چندبار درگذشته نیز تجمع اعتراضی داشتند.

کارگران کارخانه قند کامیاب شهرستان خمینی شهر، در اعتراض به عدم پرداخت حقوق معوقه خود، روز سه شنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۳۸۷ تجمع اعتراضی برگزار کردند.

به گزارش آژانس ایران خبر این کارگران در اعتراض به عدم دریافت حقوق دومه و پاداش پایان سال در مقابل فرمانداری تجمع کرده و خواهان رسیدگی مسئولان به مشکلات خود شدند.

اعتصاب دو روزه ۳۰۰ کارگر معترض کاشی رویال سمنان صبح روز چهارشنبه ۱۸ اردیبهشت امسال با توافق مدیریت و کارگران مبنی بر دریافت نیمی از حقوق و مطالبات معوقه پایان یافت.

به گزارش دسترنج این اعتصاب از ساعت ۳ روز دوشنبه ۱۶ اردیبهشت در اعتراض به عملکرد مدیریت کارخانه آغاز شده بود.

۴۰۰ کارگر شرکت بهداشتی مینا در قزوین صبح روز ۲۳ اردیبهشت امسال در اعتراض به مشکلات شغلی در مقابل کارخانه دست به تجمع زدند. به گزارش دسترنج این تجمع اعتراض‌آمیز که در واکنش به برخی مشکلات شغلی کارگران در داخل کارخانه بود، با دخالت نیروی انتظامی و حضور مدیرعامل شرکت ساعاتی بعد پایان یافت.

کارگران اخراجی اشکان چینی قزوین صبح روز دوشنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۸۷ با حضور در اداره کار شهر صنعتی

البرز با تهیه دادخواست و شکایت خواهان بازگشت به کار و دریافت حقوق معوقه خود شدند.

۱۸۰ کارگر شاغل در شرکت صنایع اراک صبح روز چهارشنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۷ در اعتراض به صدور رای یک جانبه اداره کار اراک به نفع کارفرما و محرومیت کارگران، دست به تجمع اعتراضی در محوطه کارخانه زدند.

یک کارگر معترض شرکت صنایع اراک به خبرنگار دسترنج گفت: هدف کارفرما از خرید این واحد، تولید و بهره‌وری نیست، بلکه توقف خط تولید، اخراج کارگران و فروش کارخانه از اهداف مالکان جدید صنایع کشور است.

تعدادی از کارگران شرکت ایران‌برک رشت صبح روز چهارشنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۷ در مقابل دفتر مرکزی این شرکت در تهران تجمع کردند.

یک کارگر این کارخانه به خبرنگار دسترنج گفت: پرداخت حقوق کارگران این شرکت مدت پنج ماه به تعویق افتاده است، عیدی سال ۸۶ را به طور کامل دریافت نکرده‌ایم و چهار سال است که از دریافت بن کارگری محروم هستیم.

کارگران کارخانه تولید لوله و پوشش سلفجگان واقع در ۴۵ کیلومتری قم، روز چهارشنبه ۲۵ اردیبهشت امسال در اعتراض به پایین بودن کیفیت غذای کارخانه، همزمان با قطع تولید و آغاز ساعت نهار، به نشانه اعتراض از ورود به سالن غذاخوری کارخانه خودداری کرده که پس از تقریباً ۲ ساعت، با وعده کارفرما مبنی بر بهبود کیفیت غذا، کارگران به اعتصاب خود پایان دادند.

بنا به اطلاعیه اتحادیه آزاد کارگران ایران کارخانه تولید لوله و پوشش سلفجگان ۳۳۰ نفر کارگر دارد که واحد پلی اتیلن و اینترنال آن در دو شیفت شب و روز و واحد بیتوسیل هم در یک شیفت کاری ۱۲ ساعته در این واحد مشغول بکار هستند.

به گزارش دسترنج صدها کارگر شرکت فرنج و مه نخ صبح روز سه شنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۳۸۷ در اعتراض به بکارگیری کارگران تحت پوشش بیمه بیکاری به جای کارگران شاغل کارخانه و ایجاد شرایط برای اخراج کارگران در خانه کارگر قزوین دست به تجمع زدند.

روز سه شنبه ۳۱ اردیبهشت یکی از کارگران کارخانه لاستیک البرز به خبرنگار دسترنج گفت: از ساعاتی پیش کارگران این کارخانه با ترک کار،

حرکت‌های اعتراضی خود را از سر گرفته‌اند.

این کارگر دلیل توقف کار و از سرگیری حرکت‌های اعتراضی کارگران را ناشی از اظهارات اخیر مدیر جدید کارخانه اعلام کرد.

پیش از این بدنبال اعتصاب‌های گسترده کارخانه لاستیک البرز که بصورت ناپیوسته از زمستان ۸۶ شروع و با مداخله نیروی انتظامی در فروردین ۸۷ پایان یافت، بخشی از مطالبات این کارگران پرداخت شد.

کارخانه لاستیک البرز سازنده انواع لاستیک‌های تأثیر خودروهای سواری و سنگین است که کارگران آن از سال گذشته نسبت به احتمال انحلال این کارخانه نگران بودند.

## اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه

بر اساس گزارش ابوالفضل عابدینی مسئول واحد کارگری فعالان حقوق بشر در ایران صبح روز دوشنبه ۱۶ اردیبهشت امسال بیش از ۲۰۰۰ تن از کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه در اعتراض به عدم تحقق خواسته‌ها مطالبات وعده داده شده از سوی مدیران شرکت جلوی درب مدیرعامل کارخانه تجمع کردند.

این اعتصاب در شرایطی آغاز شده است که پنج فعال کارگری و یک روزنامه نگار به اتهام تحریک کارگران هفت تپه به اعتصاب و تبلیغ علیه نظام به دادگاه انقلاب دزفول احضار شده‌اند.

کارگران روز سه شنبه ۱۷ اردیبهشت در محوطه صنعتی شرکت روبروی دفتر مدیریت کل دست به تجمع زدند. کارگران تمامی قسمتهای شرکت در این اعتصاب شرکت دارند که از جمله آنها قسمتهای اداری، بهره برداری و کشاورزی می باشند و همه فعالیتها این شرکت متوقف گردیده است.

خواسته های کارگران شرکت کننده در این اعتصاب به قرار زیر می باشد: پرداخت حقوق معوقه ۲ ماه اخیر پایان دادن به پرونده سازیها و احضار فعالان کارگری به دادگاه انقلاب برکناری مدیر عامل شرکت که آخوندی بنام یعقوب شفیعی و اعضای هیئت مدیره این شرکت

برکناری رئیس حراست شرکت فردی بنام زبیداری که در سرکوب، جاسوسی و پرونده سازی علیه کارگران نقش مستقیم دارد.

از شروع اعتراض کارگران تعدادی از افراد لباس شخصی وزارت اطلاعات در محوطه شرکت حضور دارند.

به گزارش فعالان حقوق بشر و دمکراسی در ایران در سومین روز این اعتراض، کارگران در مقابل درب مدیریت شرکت تجمع کردند و بر شدت اعتراضات خود افزودند.

روز دوشنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۸۷ رادیو فردا گزارش داد که کارگران در تجمع خود در مقابل فرمانداری شوش شعارهایی مانند «معیشت زندگی حق مسلم ماست» و «کارگر هفت تپه ایم، گرسنه ایم گرسنه» سر دادند. کارگران پس از یک ساعت تجمع در مقابل فرمانداری شوش به سمت مرکز شهر راهپیمایی کردند که با دخالت نیروی انتظامی پایان یافت.

اعتصاب کنونی کارگران نیشکر هفت تپه، سومین اعتصاب در سال جاری است.

روز ۵ شنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۳۸۷ کارگران نیشکر هفت تپه یازدهمین روز اعتصاب و اعتراض‌های خود را ادامه دادند. نیروی انتظامی هنگامی که کارگران همراه با خانواده‌های خود از فرمانداری شوش به سوی بازار شهر در حال راهپیمایی بودند به صورت وحشیانه ای یورش بردند، کارگران و خانواده هایشان و بچه های خردسال آنها را آماج ضربات باطوم‌های خود قرار دادند نیروی انتظامی علاوه بر نفرات پیاده خود با ماشین به سوی جمعیت حمله ور شدند که تعدادی از کارگران با دراز کشیدن در مقابل ماشینهای این نیروی سرکوبگر مانع حمله ور شدن به طرف خانواده ها و بچه ها و سایر کارگران شدند

روز یکشنبه ۲۹ اردیبهشت همبستگی دانشجویان ایرانی گزارشی از چهاردهمین روز اعتصاب و اعتراض‌های گسترده و دلبرانه کارگران نیشکر هفت تپه انتشار داد. بر اساس این گزارش کارگران در مقابل درب فرمانداری شوش تجمع کرده و پس از مدتی از فرمانداری به سمت بازار شهر شروع به راهپیمایی نمودند. در طی مسیر علی‌رغم ممانعت نیروهای امنیتی و انتظامی تعداد زیادی از جوانان و مردم به صفوف کارگران پیوستند. کارگران و مردم با شعار می دادند: میبشت و زندگی حق مسلم ماست/کارگر می میرد ذلت نمی پذیرد/ کارگر هفت تپه ایم گرسنه ایم گرسنه / حقوق ماهیانه حق مسلم ماست / مرک بر ساعدی و شعارهای دیگر.

کارگران از بازار به سمت چهار راه شوش راهپیمایی کردند و مسیر شوش دزفول را مسدود کردند.

در چهاردهمین روز این حرکت اعتراضی بیش از ۴۰۰۰ نفر شرکت داشتند.

روز دوشنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۳۸۷ حرکت کارگران وارد پانزدهمین روز خود شد. به گزارش فعالان حقوق بشر و دمکراسی در ایران از شوش کارگران نیشکر هفت تپه در پانزدهمین روز اعتصاب و اعتراض‌های گسترده خود جاده اهواز - اندیمشک را مسدود کردند. تعداد زیادی از نیروهای امنیتی

بقیه در صفحه ۷

## بیانیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به مناسبت اول ماه مه، روز همبستگی جهانی کارگران

\*برخی از مهمترین حرکت‌های

کارگری در سال گذشته

تجمع اعتراضی کارگران شهرداری آبادان در برابر فرمانداری این شهرتجمع اعتراضی تعدادی از کارگران اخراجی شرکت زمزم واقع در کرمان

تجمع اعتراضی کارگران کاغذ سازی کارون در برابر کاخ ریاست جمهوری  
تجمع اعتراضی کارگران واحد تولیدی کشف کار واقع در رشت، در برابر استانداری گیلان

تجمع اعتراضی کارگران اخراجی شرکت آرد سفید واقع در ورامین

اعتصاب طولانی و تجمع اعتراضی پنج هزار کارگر کارخانه نیشکر هفت تپه  
تجمع اعتراضی کارگران بیمارستان پاستورنو در تهران

تجمع اعتراضی کارگران اخراجی شرکت تولیدی کیمیکال، واقع در تهران  
تجمع اعتراضی کارگران اخراجی نساجی کردستان در مقابل سازمان کار و آموزش فنی و حرفه ای این استان

تجمع اعتراضی کارگران شرکت بامیکو واقع در طیس  
اعتصاب چند روزه کارگران ایران ترمه و تهران پتو واقع در شهر قم

تجمع اعتراضی کارگران شرکت ویتانا و بستن جاده قدیم کرج (انوبان فتح)  
اعتصاب کارگران کوره های آجرپزی منطقه دولت آباد تربت حیدریه

اعتصاب طولانی کارگران شرکت پیمانی اروم وقع در ارومیه  
تجمع اعتراضی کارگران پارس زنیخ واقع در قزوین

تجمع اعتراضی کارگران شرکت قوه پارس در مقابل استانداری قزوین  
تجمع اعتراضی کارگران شرکت مجموعه سازی پارت سازان واقع در مشهد

تجمع اعتراضی کارگران آرتا ماشین واقع در اردبیل، در برابر استانداری این شهر  
تجمع اعتراضی کارگران کارخانه بارسیلون واقع در خرم آباد در محل استانداری لرستان

تجمع اعتراضی کارگران یخچال سازی لرستان در برابر استانداری این شهر  
تجمع اعتراضی کارگران شرکتهای اقماری وابسته به برق تهران در مقابل شرکت برق تهران

تجمع اعتراضی کارگران کارخانه دیلمان، در جاده قدیم کرج - تهران در مقابل فرمانداری کرج

اعتصاب کارگران شرکت پارس حساس واقع در منطقه عسولویه  
اعتصاب کارگران شرکت گاما، زیر مجموعه شرکت «اویک» در پالایشگاه فاز ۹ و ۱۰ عسولویه

تجمع اعتراضی کارگران تعمیرگاه ایران خودرو در شهر ساری  
تجمع اعتراضی کارگران روزمزد کارخانه قند سازند

بقیه در صفحه ۷

سال گذشته از نظر کمی گسترش بی سابقه پیدا کرد. لیست بزخی از مهمترین حرکت‌های کارگری ضمیمه این بیانیه است.\*

در سال گذشته فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل، کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد کارگری و سازمان عفو بین الملل با انتشار بیانیه مشترکی همبستگی خود را با کارگران ایران اعلام کردند. این بیانیه به مناسبت روز ششم مارس، روز همبستگی جهانی با کارگران ایران منتشر شد.

روزیچشمه، ۱۶ اسفند سال ۱۳۸۶، کارگران ۴۱ کشور در پنج قاره جهان، تظاهرات و مراسم روز همبستگی با کارگران ایرانی را برگزار کردند و خواستار آزادی منصور اسانلو، رییس هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران، و محمود صالحی، فعال کارگر در استان کردستان، شدند.

اعتراضهای گسترده ی بین المللی سرانجام منجر به آزادی محمود صالحی شد. این یک پیروزی برای کارگران ایران بود که با مقاومت و ایستادگی به دست آمد.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به تمامی زنان و مردان کارگر که به خاطر مبارزه علیه رژیم استبدادی حاکم بر کشور ما به زندان افتاده و زیر شکنجه های مزدوران رژیم مقاومت می کنند درود می فرستد و ضمن محکوم کردن آزار و شکنجه کارگران خواستار آزادی فوری همه ی کارگرانی که به خاطر اعتراض به وضع فلاکتناز راه مبارزه و مقاومت را انتخاب کرده اند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در استانه اول ماه مه، از کارگران سراسر جهان و از اتحادیه ها و سندیکاهای کارگران و مزدبگیران جهان می خواهد که به کارگران ایران در مبارزه برای رهایی کشور از چنگ نظام استبدادی - مذهبی ولایت فقیه یاری رسانند.

ما از سازمان جهانی کار می خواهیم که نام رژیم حاکم بر ایران را همچنان در لیست سیاه حفظ نموده و به جمهوری اسلامی برای به رسمیت شناختن حقوق حقه کارگران بیش از پیش فشار وارد نماید.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران همه ی فعالان جنبشهای اجتماعی ایران به اتحاد و همبستگی برای برچیدن بساط استبداد مذهبی ولایت فقیه و تحقق آزادی و عدالت فرامی خواند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران جمعه ۶ اردیبهشت ۱۳۸۷ (۲۵ آوریل ۲۰۰۸)

است، حیف که زشت است ولی دلم می خواهد یک فصل از این همه بدبختی گریه کنم. ولی همیشه مجبورم که گریه خودم را فرو بخورم.» (آژانس ایران خبر، سه شنبه ۶ فروردین ۱۳۸۷) این گفته ها نشاندهنده وضعی است که میلیونها تن از زحمتکشان ایران با آن روبرو هستند. کارگران و مزدبگیران از یک طرف تحت ستم و سرکوب نظام استبدادی مذهبی ولایت فقیه قرار دارند و از طرف دیگر باید هزینه سیاستهای رژیم برای پوستن به اردوی جهانی سازی نئولیبرال را بپردازند.

رژیم ایران با پشتیبانی از کارفرمایان و در راس آن دولت به مثابه بزرگترین کارفرما، به سرکوب مبارزه کارگران و مزدبگیران ایران اقدام می کند. در حالی که کارگران ایران خواستار حق کار، حق اعتصاب، حق تشکلهای مستقل کارگری و حق برخورداری از بیمه های اجتماعی هستند، کارفرمایان با حمایت رژیم هر روز کارگران بیشتری را اخراج می کنند و نیروهای سرکوبگر رژیم کارگران را سرکوب و زندانی می کنند.

در سال گذشته نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی بارها با ضربات باتوم و گاز اشک آور به حرکت‌های اعتراضی کارگران یورش بردند که منجر به زخمی شدن تعدادی از کارگران شد. همچنین مامورین وزارت اطلاعات بارها به منازل کارگران یورش برده و آنان را دستگیر و یا با تماسهای تلفنی در سطح گسترده کارگران را تهدید به دستگیری می کردند.

کارگران، مزدبگیران، معلمان و پرستاران ایران در مقابل این اوضاع فلاکتناز راه مبارزه و مقاومت را انتخاب کرده اند.

مبارزه کارگران برای بهبود شرایط کار، برای به رسمیت شناختن حق تشکلهای کارگری، برای بالا رفتن دستمزدها، برای حق اعتصاب و حق برخورداری از بیمه های اجتماعی، برای پایین آمدن ساعات کار و برای برابری زنان و مردان از حقوق مساوی در کار مساوی همچنان ادامه یافت. مهمترین خواسته های کارگران و مزدبگیران ایران در سال گذشته «آزادی فعالیت تشکلهای کارگری بدون هیچ قید و شرط»، «به رسمیت شناختن حق تشکل طبق کنوانسیون جهانی کار»، «امنیت جانی»، «امنیت شغلی» و «حق اعتصاب و اعتراض، حق آزادی بیان» بود. کارگران همچنین با طرح شعار «زندگی انسانی حق مسلم ماست» در مقابل شعار حکومتی «نرزی اتمی حق مسلم ماست» حرکت‌های عوامفربانه حکومت برای «ملی» جلوه دادن پروژه های ماجراجویانه را خنثی کردند.

حرکت‌های کارگری در سال گذشته به شکل‌های گوناگون صورت گرفت. نامه نگاری به گردانندگان رژیم، تجمع اعتراضی، اعتصاب، تحصن، بستن جاده ها، راه پیمایی و ... شیوه هایی بود که کارگران در مبارزه خود از آن استفاده کردند. حرکت‌های اعتراضی کارگران در

اول ماه مه روز همبستگی بین المللی کارگران را به تمامی کارگران، مزدبگیران و زحمتکشان جهان تبریک می گویم. ما همبستگی خود را با کارگران و مزدبگیران که سازندگان اصلی جهانی انسانی و «جهانی دیگر» هستند، اعلام می کنیم و برای جنبش کارگری در سراسر جهان در مبارزه علیه استعمار، استبداد و عقب ماندگی موفقیت‌های بزرگ آرزو می کنیم.

در سال گذشته تهاجم عنان گسیخته انحصارات امپریالیستی به سطح زندگی و معیشت توده های زحمتکش و پایمال کردن حقوق کارگران همچنان بی وقفه ادامه داشت. بار اصلی جنگ، نظامیگری، انباشت سلاحهای مخرب، تروریسم و بنیادگرایی بر دوش کارگران و مزدبگیران جهان و به خصوص زنان کارگر و زحمتکش بود. در مقابل نقش کارگران و مزدبگیران در جنبش جهانی علیه تعرض انحصارات امپریالیستی و دولتهای مدافع آنان، و مبارزه کارگران علیه جهانی شدن بربریت و ویرانگری ابعاد گسترده ای یافت. مبارزه کارگران و زحمتکشان در سراسر جهان علیه فقر، بیکاری، جنگ، نظامیگری، انباشت سلاحهای مخرب، دیکتاتوری، تروریسم و بنیادگرایی در سال گذشته همچنان ادامه پیدا کرد.

طی یک سال گذشته کارگران و زحمتکشان ایران شرایط سخت و دشواری داشتند. فقر و سیاه روزی زندگی میلیونها تن از کارگران ایران و خانواده هایشان را به تباهی کشیده است.

اخراج‌های دسته جمعی کارگران، خروج کارگاه‌های کمتر از ۱۰ نفر از شمول قانون کار، تعرض به سطح زندگی و معیشت کارگران و پائین آمدن هر ساله قدرت خرید کارگران و مزدبگیران ایران از جمله دستاوردهای رژیم ایران برای کارگران است.

یکی از کارگران معدن سنگرود شرایط وخامتبار زندگی کارگران در استانه عید نوروز را این گونه تشریح می کند: «مسال عید برای ما هیچ چیزی از شادی به همراه نداشت. ما فقط شرمند خانواده خودمان بودیم، نتوانستیم به بچه هایمان عیدی بدهیم، آیا بچه های ما دل ندارند؟ آیا عیدی فقط برای آقاها هاست؟ به خدا اگر زن و بچه نداشتیم دلم می خواست خودم را می کشتم تا از این وضعیت خلاص می شدم. همه اش تحقیر و توهین می شویم. هیچکس به فکر ما و وضعیت ما نیست، بارها پیگیری کرده ایم بارها دنبال پرداخت حقوقمان بوده ایم اما کسی دنبال نکرده است. چرا؟ چون خودشان در بهترین خانه ها با بهترین وسایل رفاه و آسایش خوشگذرانی می کنند دیگر جایی برای این باقی نمی ماند که درد ما را بفهمند. کسی نمی فهمد که ما از بس تحت فشار بدبختیهایمان هستیم به خانه که می رسیم آن فشار را روی زن و بچه های بدبختیمان خالی می کنیم. دلم پر

## مهمترین رویدادها و اعتراض‌های کارگری

بقیه از صفحه ۵ و انتظامی در محل تجمع کارگران متمرکز شده اند. نیروهای امنیتی و انتظامی در طی مسیر کارگران را همراهی می کردند. جمعیت کارگران معترض چندین هزار نفر تخمین زده می شود و هر روز تعداد زیادی از اقشار جامعه به صفوف کارگران می پیوندند.

همچنین کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر کارون و شرکت کشت و صنعت نیشکر خوزستان و صنایع جانبی طی بیانیه مشترکی در حمایت از اعتصاب کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه اعلام کردند. در این بیانیه که فعالان حقوق بشر در ایران متن آن را منتشر کرده اند گفته شده: «ما کارگران خواستار پرداخت کامل حقوق و مطالبات قانونی در هفت تپه و سایر کارخانجات هستیم. هر گونه سرکوب، بازداشت و تهدید علیه کارگران هفت تپه را محکوم می کنیم.»

کارگران نیشکر هفت تپه در روز سه شنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۳۸۷ برای دومین روز متوالی جاده اهواز - اندیمشک را مسدود کردند. کارگران از فرمانداری به سمت چهار راه شوش راهپیمایی کرده و در طی مسیر تعداد زیادی از مردم و جوانان به کارگران پیوستند.

به گزارش فعالان فعالان کارگری در حال حاضر ۵ فعال کارگری نیشکر هفت تپه به نامهای آقایان فریدون نیکو فرد، علی نجاتی، جلیل احمدی، محمد حیدری مهر و رمضان علیپور در بیدادگاه دزفول مورد محاکمه قرار دارند. آنها به دلیل اعتراضات سال گذشته نسبت به تعویق افتادن حقوق چند ماه خود مورد محاکمه قرار گرفته اند.

فعالان حقوق بشر و دمکراسی در ایران از راهپیمایی روز سه شنبه ۳۱ اردیبهشت فیلمی را پخش کردند. در این فیلم دیده می شود که نیروهای امنیتی و انتظامی به شدت کارگران را در محاصره خود دارند و همچنین تعداد زیادی از مامورین لباس شخصی وزارت اطلاعات در میان کارگران حضور دارند.

کارگران در طی مسیر اقدام به دادن شعارهایی مانند مدعی عدالت خجالت خجالت/ معیشت و زندگی حق مسلم ماست / حقوق ماهیانه حق مسلم ماست/ پرونده سازی علیه کارگران را متوقف کنید/ محاکمه کارگران را متوقف کنید / کارگر می میرد ذلت نمی پذیرد و شعارهای دیگر...

فیلم راهپیمایی کارگران را می توانید در آدرس زیر ببینید.

<http://www.jonge-khabar.com/news/articlekhabar.php?id=41359>

## بیانیه سازمان

بقیه از صفحه ۶

تجمع اعتراضی کارگران شاغل در طرح پل میان گذر دریاچه ارومیه در مقابل سازمان کار و آموزش فنی و حرفه ای آذربایجان غربی و اعتصاب کارگران کارخانه آزمایش در مرودشت شیراز

تجمع اعتراضی کارگران شرکت پارس شهر شفت و بستن جاده رشت فومن  
اعتصاب تمامی پرسنل کارخانه نیشکر هفت تپه  
اعتصاب کارگران کشتارگاه شهرداری کرمانشاه

تجمع اعتراضی کارگران کارخانه پارسیلون واقع در خرم آباد در مقابل استانداری لرستان  
اعتصاب رانندگان شرکت اتوبوسرانی بوشهر  
تجمع اعتراضی کارگران کارخانه صنایع چوب طالقان واقع در احمد آباد  
تجمع اعتراضی کارگران کارخانه کاغذ سازی کارون شوشتر

تجمع اعتراضی چند روزه کارگران اخراجی کارخانه نساجی کردستان  
تجمع اعتراضی کارگران مجتمع کشتی سازی خلیج فارس  
تجمع اعتراضی کارگران کارخانه کف کار واقع در رشت  
تجمع اعتراضی کارگران کارخانه شاهو

تجمع اعتراضی کارگران شرکت نساجی خوی در محل فرمانداری  
اعتصاب کارگران کارخانه نیرو رخش  
تجمع کارگران شرکت قوه پارس در مقابل مجلس ارتجاع  
تجمع کارگران کارگران کارخانه نساجی خوی  
تجمع اعتراضی پرستاران ارومیه  
اعتصاب و تجمع اعتراضی کارگران شرکت پونل در پاکدشت

تجمع اعتراضی کارگران کارخانه چینی همگام در شهر کرد  
تجمع اعتراضی کارگران کارخانه سما  
تجمع اعتراضی کارگران کارخانه آزمایش واقع در مرودشت شیراز  
اعتصاب کارگران کاغذ سازی پارس  
تجمع اعتراضی کارگران کارخانه ریسندگی شادریس یزد  
تجمع اعتراضی کارگران کارخانه چینی همگام در شهرکرد و چیت سازی بهشهر

اعتصاب کارگران شرکت پونل پاکدشت  
تجمع اعتراضی کارکنان پالایشگاه نفت آبادان  
تجمع اعتراضی کارگران شرکت قوه پارس در تهران  
تجمع اعتراضی کارگران شرکت مگاموتور در تهران  
اعتصاب کارگران کارخانه شادریس  
اعتصاب کارگران کارخانه آزمایش  
تجمع اعتراضی کارگران شرکت سازمایه پاکدشت

تجمع اعتراضی کارگران شهرداری پلدختر در استان لرستان

اعتصاب طولانی و تجمع اعتراضی کارگران کارخانه لاستیک سازی البرز  
اعتصاب دو ماهه کارگران پیمانکاری شهرداری بوشهر

تجمع اعتراضی کارگران شرکت کیان تایر (لاستیک البرز سابق) در جاده ساوه  
اعتصاب کارگران کارخانه صنایع مخابراتی راه دور  
اعتصاب کارگران تصفیه خانه آب طیس

تجمع اعتراضی کارگران کارخانه های آجر ماشینی استان گلستان  
تجمع اعتراضی و اعتصاب طولانی کارگران شرکت کیان تایر واقع در چهاردانگه جاده ساوه  
تجمع اعتراضی کارگران شرکت چینی البرز در مقابل فرمانداری شهرستان البرز

تجمع اعتراضی کارگران کارخانه یالیف در جاده قدیم کرج  
تجمع اعتراضی کارگران کارخانه روکش چوبی قزوین  
تجمع اعتراضی کارگران سراب بافت مقابل مجلس  
تجمع اعتراضی کارگران پوشینه بافت قزوین و راهپیمایی از محل کار خود به سمت فرمانداری شهرستان البرز

تجمع اعتراضی کارگران سد توانکش و هل توشان کامیاران  
اعتصاب تمام پرستاران و پرسنل بیمارستان «جرجانی»  
تجمع اعتراضی کارگران ذوب آهن اردبیل  
تجمع اعتراضی کارگران سد توانکش و هل توشان کامیاران

تجمع اعتراضی کارگران چینی ارس  
تجمع اعتراضی کارکنان باز خرید شده شرکت پست و مخابرات چند شهر کشور از جمله تهران، بابل، امل، بوشهر، بندرعباس و دلچجان  
تجمع اعتراضی کارگران کارخانه پوشینه بافت قزوین  
تجمع اعتراضی کارگران کارخانه مژده وصل شیراز

اعتصاب کارگران سد سیازخ دیواندره  
تجمع اعتراضی کارگران کارخانه قوه پارس قزوین  
اعتصاب کارگران کارخانه پروفیل ساوه  
تجمع اعتراضی کارگران شرکت پونل پاکدشت

اعتصاب کارگران کارگاههای سد گاوشان  
اعتصاب، راهپیمایی و تجمع اعتراضی کارگران شرکت «انرژی گستر نصیر» یکی از پیمانکاران شرکت اوبیک در پالایشگاه فازهای ۹ و ۱۰ عسلویه  
تجمع اعتراضی کارگران شرکت «قوه پارس» قزوین  
اعتصاب کارگران سد «سیاه زخ» دیوان دره

تجمع اعتراضی کارگران کارخانه لامپ الوند قزوین  
اعتصاب کارگران کارخانه تولید رینگ خودروی رفسنجان  
اعتصاب کارگران راه آهن طیس

تجمع اعتراضی کارگران کارخانه صنعتی پارس مینوی تهران

تجمع اعتراضی کارگران شاغل در ۵ واحد بزرگ تولیدی و صنعتی استان قزوین  
تجمع اعتراضی کارگران بیکار پاکدشت

اعتصاب دهها تن از کارگران قراردادی سیمان لوشان  
تحصن طولانی کارگران اخراجی شرکت صنعتی دریایی ایران صدرا در بوشهر

تجمع اعتراضی کارگران قراردادی کارخانه اشکان چینی در مقابل اداره کار شهرستان البرز در استان قزوین  
کارگران نیشکر هفت تپه شوش در ۲۰ فروردین امسال برای چندمین بار دست به اعتصاب گسترده زدند. در این اعتصاب کارگران بخش تولید و تمامی بخشهای وابسته به آن، بخش کشاورزی و کارگران نی بر به صورت یکپارچه و گسترده شرکت کردند.

تجمع اعتراضی کارگران کارخانه پارس واشر در مقابل فرمانداری شهر صنعتی البرز  
تجمع کارگران شرکت ایران صدرا در مقابل ساختمان استانداری بوشهر و دستگیری سه خبرنگار و تعدادی از کارگران

برای چندمین بار اعتصاب و تجمع اعتراضی کارگران و کارکنان کیان تایر (لاستیک البرز) در چهاردانگه تهران، در جریان این اعتراض کارگران جاده ساوه - تهران را بستند.  
اعتصاب کارگران کارخانه ذوب مس خاتون آباد

کارگران لاستیک البرز (کیان تایر) جاده تهران - اسلامشهر را بستند  
تجمع اعتراضی کارگران لاستیک البرز در مقابل محل بازداشت همکار خود  
اعتصاب ۵ هزار کارگر کارخانه هفت تپه  
اعتصاب کارگران شرکت ریسندگی فرنیخ-مه نخ در قزوین

تحصن جمعی از کارگران شرکت تولید کننده مواد شوینده تاژ  
تجمع اعتراضی سه روزه کارگران کارخانه های تولیدی «فرنیخ و مه نخ»، «نازنج» و «بهداشتی مینا» در قزوین  
تجمع کارگران اخراجی کارخانه گونی بافی تهران شفق در برازجان

\*برای اطلاع از کلیه اخبار کارگری در سال گذشته به سایت ایران نبرد و در آدرس زیر مراجعه کنید.  
<http://www.iran-nabard.com/kareghari.htm>

همچنین به طور روزانه می توانید با مراجعه به بخش اخبار کارگری سایت جنگ خبر از رویدادهای جنبش کارگری مطلع شوید.  
<http://www.jonge-khabar.com>  
همچنین با مراجعه با آدرس زیر از رویدادهای ماهانه جنبش کارگری مطلع شوید.  
<http://www.iran-nabard.com/zinat/index-zinat.htm>

## جهان در آینه مرور

لیلا جدیدی

در این شماره می خوانید:

– ایتالیا، شکست چپ و روی کار آمدن جناح راست نئو فاشیست

– دیدگاه هایی پیرامون علل کمبود مواد غذایی در جهان

ایتالیا، شکست چپ و روی کار آمدن جناح راست نئو فاشیست

روز اول ماه مه، نیکولو توماسولی هنگامی که از دادن سیگار به دسته ای از نئو نازیها در مرکز شهر ورونا (ایتالیا) خودداری کرد، تا سرحد مرگ مورد ضرب و شتم و ضربات سنگین چکمه های آنان قرار گرفت. یک هفته بعد او جان سپرد. در همان روز سیلیویو برلوسکونی اولین کابینه دولت چهارم خود را به عموم اعلام کرد. در نگاه نخست، شاید به نظر بیاید که این دو حادثه به هم ارتباطی ندارند اما با بازگشت جناح راست و پدیدار شدن جنایتکاران دست راستی و افراطی در سطح جامعه، ارتباط این دو برجسته می شود.

در انتخابات پارلمانی اخیر ایتالیا که در روزهای ۱۳ و ۱۴ آوریل سال جاری برگزار شد، سیلیویو برلوسکونی، امپراتور رسانه ای، از راه هم سنگر شدن با میلیونرها و دست نهادن در دست احزاب نئو فاشیستی و نژاد پرست، مقام ریاست دولت را تنها دو سال پس از دست دادن آن تصاحب کرد. والتر ولترونی، شهردار سابق رم و رهبر حزب چپ گرا، رقیب اصلی او در این انتخابات بود. بدین سان رم که بیش از ۶۰ سال در اختیار جریان چپ گرای ایتالیا اداره می شد، به دست جیانی آلمانو که او نیز از نئو فاشیستهای سابقه دار این کشور به شمار می رود افتاد. غم انگیز تر از آن، جیان فرانکو فینی، از نئو فاشیستهای سابق ایتالیا نیز بر مسند ریاست مجلس این کشور تکیه زد.

در انتخابات پارلمانی ایتالیا بیش از ۴۰ میلیون واجد شرایط رای که ۳ درصد از دور گذشته کمتر بودند، به پای صندوقهای رای رفتند. همچنین ۱۵۸ حزب بزرگ و کوچک در انتخابات عمومی، ملی و محلی به رقابت پرداختند. ۳ میلیون ایتالیایی ساکن خارج از کشور نیز در این انتخابات شرکت کردند.

انتخابات مزبور نه تنها جایگاه جناح راست در اکثریت را تثبیت کرد بلکه، برای اولین بار ساخت سیاسی را به



وجود آورد که شباهت زیادی با سیستم آمریکا دارد. بدین صورت که اکنون دو حزب بورژوازی دست راستی را در بر می گیرد. از مجموع بیش از ۲۰ حزب و تعدادی گروه با نمایندگان پارلمانی، تنها ۶ تن به پارلمان راه یافتند.

دو متحد اصلی برلوسکونی که شامل "فورزا ایتالیا" (حزب خود او) و اتحاد ملی (پست فاشیسم) به رهبری فرانکو فینی، لیست مشترکی در انتخابات ارایه کرده و یک حزب بزرگ دست راستی را پایه ریزی کردند. افزوده بر این، اتحاد جدایی طلب شمال و یک جنبش کم اهمیت تر بنام "ام پی آ" (جنبش برای خودمختاری) به حمایت از ائتلاف "مردم برای آزادی" در آمدند. پیش از انتخابات، ولترونی در اتحاد با دمکراتهای چپ، دمکرات مسیحی و چند گروه دیگر حزبی بنام "حزب دمکراتیک" ایجاد کرد. این حزب مدلی از حزب دمکرات آمریکا با یک نوع ساختار و برنامه مشابه می باشد که طرفدار اقتصاد تجاری است.

در کمپین ولترنی، تنها قاضی سابق ضد فساد به نام "آنتونیو دی بیترتو"، ۵ درصد رای به دست آورد.

"لوکیو کارا اسکیو"، یک کارشناس مسائل سیاسی ایتالیا در گفتگو با نشریه آلمانی "دی سایت" در این باره می گوید: پیروزی برلوسکونی حاصل ترس و نگرانی مردم ایتالیا از وضعیت اسفناک املاک و داراییهای شخصی و هراس از اصلاحات اساسی در این کشور بود. وی می افزاید که رویکرد تازه برلوسکونی، کم توجهی به اعمال نفوذ و فشار بر قاضیها و وکلای دولتی خواهد بود. همزمان، تجارت از اولویتهای اصلی او خواهد گشت زیرا برلوسکونی می داند که با توجه به مسایل و مشکلات اقتصادی در جامعه، حکومت کردن سخت تر شده است.

این تصادفی نیست که واکنش از اولین کشورهایی بود که انتخاب برلوسکونی را تبریک گفت. رییس جمهور تازه تاکنون به وضوح دنباله روی سیاستهای بوش بوده است. اگر چه احتمالاً علاقه مندی آمریکای شمالی به ایتالیا می تواند پس از تغییر قدرت در کاخ سفید متفاوت باشد.

دولت پرودی انتظارات آمریکا را در راستای سیاست آن در افغانستان بر آورده نمی کرد. اگر چه مردم ایتالیا نیز مخالف تقویت عملیات نظامی این کشور در افغانستان هستند.

در زمینه سیاست خارجی، دولت جدید ایتالیا بر مسایلی همچون اتحادیه اروپا،

ایران و چین تکیه کرده است. از یک سو برلوسکونی خود را برای نزدیکی به آمریکا و قدرتهای بزرگ اروپایی آماده کرده و قصد دارد مواضع سخت تری را در برابر ایران پیش بگیرد. فرانکو فراتینی، وزیر امور خارجه در کابینه جدید برلوسکونی، در این باره به روزنامه فاینانشیال تایمز می گوید که ایتالیا به اسرائیل نزدیک و سخت گیر تر به ایران خواهد شد. با این حال او گفت، در ایجاد دیالوگ بین ایران و آمریکا از یک "قدرت خطرناک منطقه ای" به مصالحه گر تبدیل شود. او همچنین در زمینه رابطه با چین می گوید که ضمن حمایت از دالی لاما برای خودمختاری تبت، حاضر نیست که "دوستان چینی" خود را به ایجاد اختلاف تحریک کند.

از همان آغاز، اینکه دولت تازه مصمم است همان رفتار ناهنجار در دوره کمپین برای انتخابات را پیش ببرد، روشن بود. دولت جدید مجموعه ای از دو گونه کاراکتر است؛ از یک سو، دوستان نزدیک برلوسکونی هستند که به صحنه آورده می شوند و از سوی دیگر، سیاستمدارانی که در گذشته به خاطر گفتارهای نژادپرستانه شان ناچار به استعفا شده اند. برلوسکونی به صراحت اعلام کرده است که شخصا همه تصمیمات مهم را می گیرد. او به تقلید از سارکوزی، رییس جمهور فرانسه، از نداشتن فرصت گوش کردن به چیزهایی مثل "پوزسیون، قانون و رسانه های پولرالیست" سخن گفت.

## شکست چپ

در این انتخابات، ولترونی همکاری با احزاب جناح چپ در دولت ائتلافی پیشین به رهبری رومانو پرودی را رد کرد. این احزاب ناچار گشتند تا ائتلاف دیگری را در جریان انتخابات به نام "رنگین کمان چپ" (سینیسترا آرکوبلانو) ایجاد کنند. این احزاب شامل حزب احیای کمونیستی، سبزها، کمونیستهای ایتالیایی و چپ دمکرات بودند، از چپ دمکرات پیشین بودند، می باشند.

"رنگین کمان چپ" بدترین ضربه و شکست را در این انتخابات متحمل شد. رهبران این ائتلاف گمان می بردند که که دستکم ۱۵ درصد از آرا را به دست بیاورند اما تنها ۳ درصد رای آوردند که برای ورود به پارلمان کافی نبود.

چپ که پیش از این ۴۰ درصد پارلمان را در دست داشت حتی نتوانست یک کرسی به دست آورد. روزنامه "ریپابلیکا" این شکست را "زمین لرزه ای واقعی" خواند

بقیه در صفحه ۹

## گزارش شرکت در تظاهرات اول ماه مه در آلمان

در گرامی داشت اول ماه مه روز جهانی کارگر، کشور آلمان یکپارچه تعطیل و میزبان راهپیمایان و جشن و سرور نیروهای مترقی و انقلابی برای روز کارگر بود.



دوئسبورگ هامبورن یکی از شهرهای آلمان نیز این روز را با راهپیمایی سندیکاها و احزاب و گروههای سیاسی گرامی داشت.

صبح روز ۱ مه تجمع کنندگان از مقابل شهرداری دوئسبورگ هامبورن راهپیمایی منظم خودشان را با سر دادن شعارهای انقلابی و ترانه سرودهای ملی میهنی اقصی نقاط جهان، به سمت (لند شافت پارک) شروع کردند.

جالب توجه این که امسال نیروهای (آنارشیستی آنتی فا) تند روهای ضد فاشیسم نیز در راهپیمایی حضور داشتند.

امسال پلیس مسیر حرکت همیشگی راهپیمایان را تغییر داده بود و این باعث این شده بود که کمی راهپیمایان در اضطراب قرار بگیرند.

با ورود راهپیمایان به محوطه پارک این فابریک متروکه، سخنرانیها و برنامه های موسیقی آغاز گشت و شرکت کننده گان به صحبتهای نمایندگان مناطق کارگری را گوش دادند. چند گروه موزیک ترانه های زیبا اجرا کردند و مردم را به وجد آوردند.

در گوشه های مختلف پارک غرفه های احزاب و سازمانها برگزار شده بود که در آنها نیز بحثهای داغ جریان داشت.

غرفه ها با بحث و رقص و پایکوبی و سلف غذا و میوه و نوشیدنی روز را تا ساعت ۱۸ به سر بردند و این روز را گرامی داشتند.

مشور سازمان به زبان آلمانی و فارسی، به همراه بیانیه اول ماه مه سازمان بزبان فارسی در اختیار ایرانیان و دیگر شرکت کننده گان حاضر در مراسم قرار داده شد.

با ایمان به پیروزی راهمان اول ماه مه ۲۰۰۸ - فریدون از آلمان



## جهان در آینه مرور

بقیه از صفحه ۸

بررسی و درک شکست "چپ" از اهمیت ویژه ای در این انتخابات برخوردار است. حزب احیای کمونیستی از زمان گسست از حزب کمونیست یعنی ۱۷ سال پیش، اقدام به جذب گروه های خرده بورژوازی "چپ" در مسیر خود را کرد. آنها از طرفداران خود خواستند تا از دولت به اصطلاح مترقی بورژوازی حمایت کنند. این حزب توانست به دفعات موقعیت حداکثری خود را در پارلمان این کشور تامین کند تا اینکه در سال ۲۰۰۶ با قرار گرفتن در بخشی از ائتلاف با پرودی، وارد قدرت شد. حزب احیا موقعیت خود را با سیاستهای فرصت طلبانه و با این ادعا که لازم است بین بد و بدتر، بد را انتخاب کرد و از جناح راست دوری جست، به جلو راند. اما نتیجه این نوع سیاست یک فاجعه بود. حزب احیا و متحدانش به طور عملی طبقه کارگر را از عمل مستقل سیاسی دور کرده و در مقابل در مسیر انتخابات، پوششی چپ برای کمپین ولترونی ایجاد کرد.

بر همین پایه بود که رنگین کمان چپ نتوانست حمایتی جدی در این انتخابات به دست آورد. این امر نشان از واقعیت تلخی است. برای دو سال دولت پرودی تصور می کرد با حمایت چپ رفرمیست می تواند مشکلات عمیق اقتصادی و بحرانهای اجتماعی را حل کند. اما اوضاع اقتصادی در ایتالیا بدتر شد. اقتصاد این کشور رشدی نداشت و سهام آن در تجارت جهانی تنزل یافت. اوضاع اقتصادی آنچنان رو به وخامت رفت که بسیاری از مردم حتی دیگر نمی توانند مخارج خوراک یک روز خود را تامین کنند. نسل جوان توانایی تشکیل یک زندگی مستقل را از دست داد.

رشد تورم و رکود مزدها از اهمیتی مرکزی و حیاتی برخوردار شد که مهر خود را به شکل ناهنجاری به این انتخابات زد. مورد بعدی و پر اهمیت دیگر، مربوط به زباله های متعفن می شوند که خیابانهای ناپل را برای هفته ها پر کرده بود که سرانجام به تظاهرات گسترده ای کشیده شد. این وضع به نمادی از رفتار طبقه حاکمه بی لیاقت که تنها به فکر منافع شخصی خود است، تبدیل شد. برلوسکونی در کمپین انتخاباتی خود توانست از این نابسامانیها بهره گیری کند. این در حالیکه که ریشه مشکل زباله ها به دوران نخست وزیری خود او برمی گردد.

یکی از مهمترین دلایل کاهش ۳ درصدی تعداد رای دهندگان، عدم شرکت طرفداران چپ بود که دیگر نا

امید شده بودند. باقی نیز اینگونه محاسبه می کردند که بهتر است به برلوسکونی رای بدهند تا به چپ از هم گسیخته ی پشت سر پرودی. از هم اکنون بسیاری از صاحب نظران معتقدند که دولت جدید ناپایدار خواهد بود. تضاد عمیق شرایط آشفته اجتماعی کنونی با برنامه های دست راستی دولت سبب این ناپایداری خواهد بود. حتی صاحب نظران دست راستی هم این واقعیت را پذیرفته اند. از سوی دیگر، نشانه های اوج گیری تضادهای اجتماعی به دلیل پیشنهادی که برلوسکونی به ولترونی در همان شب انتخابات داد نیز آشکار شد. او گفت: "ما آماده انجام اصلاحات با همکاری مخالفانمان هستیم".

شکست حقارت آمیز چپ در ایتالیا بار دیگر یادآوری می کند که چنانچه نیروهای چپ فرصت طلبانه از طبقه کارگر و زحمتکش دوری جویند، دیر یا زود زیر چکمه های سرمایه داری و فاشیسم قرار گرفته و اعتبار خود را بین زحمتکشان کشور خود از دست می دهند. نیروهای چپ در هر ائتلافی پیش از هر چه باید منافع طبقه ای را که از آن حمایت می کنند در نظر گرفته و برای پیشبرد اش بکوشند.

## دیدگاه هایی پیرامون علل کمبود

## مواد غذایی در جهان

بنا به گزارشی تازه از جانب بانک جهانی، در حال حاضر تورم و افزایش قیمت مواد غذایی به گونه ای درآمده است که ۳۳ کشور در جهان را در معرض فروپاشی سیاسی و تضادهای درونی قرار داده است.



در گزارشی دیگر که شامل ۲۵۰۰ صفحه می باشد و از سوی سازمانی به نام "محاسبه علوم کشاورزی و تکنولوژی برای توسعه بین المللی" منتشر شده، آمده است که در حقیقت مواد غذایی لازم به میزانی که نیاز انسانها را بر طرف کند، موجود است. با این حال عدم دسترسی به مواد غذایی سبب گرسنه ماندن نزدیک به ۸۰۰ میلیون نفر در جهان شده است. در این گزارش آمده است، "افزایش جمعیت و بالا رفتن تقاضا برای مواد غذایی به

ویژه گوشت و شیر" بحرانزا گشته است.

گزارش مزبور نابرابری در تقسیم مواد مورد نیاز غذایی و اختلال در کنترل منابع طبیعی از سوی حکومتها و روشهای ناعادلانه آنان را به سختی به چالش کشیده است و هشدار می دهد، از سوی دیگر تغییرات آب و هوا، زیست محیطی و ازدیاد جمعیت جهان که تخمین زده می شود از شش و هفت دهم میلیارد به نه و دو دهم میلیارد خواهد رسید، اوضاع را به سمت وخامت بیشتری سوق خواهد داد.

روشن است که زیان سهل انگاریها و عدم برنامه های دقیق و کارا بیش از همه متوجه مردم تهیدست خواهد بود. آیت الله خامنه ای در یکی از حرافیهای فریبکارانه اش ادعا می کند که "گرانی مواد غذایی فقط مربوط به ما نیست، بقیه کشورها هم از آن رنج می برند." اما تمامی گزارشها و سفارشات متخصصین رشد و تقویت کشاورزی صحیح، تولید مواد غذایی ارزان، مغذی و سالم و در عین حال با قیمت کم به طوری که مردم بتوانند از عهده خرید آن بر آیند را توصیه کرده است. در کشورهایی همچون ایران که به دلیل فروش نفت دستکم به لحاظ منابع مالی تامین است، افکندن پدیده گرسنگی جامعه به دوش افزایش قیمتهای جهانی، فریبی بیش نیست. ادامه روند موجود در جهان و در کشور ایران که منافع عده ای بر منافع اکثریت مردم آن ترجیح داده می شود، هر روز شکاف بین دارا و ندار را عمیق تر می کند تا جایی که مردم در این کشورها امنیت دسترسی به تغذیه مناسب را از دست می دهند و مناطق مسکونی آنان غیر قابل سکونت می شود.

بنا به گزارش صندوق بین المللی پول، نرخ جهانی تورم در سال جاری میلادی با وجود این افزایش قیمتها حداکثر به ۵ درصد خواهد رسید. با این حال در مقایسه با قیمتها در ایران، رشد قیمت مواد غذایی در جهان به میزانی نیست که بتواند این

افزایش سرسام آور را توجیه کند. برای مثال قیمت برنج با رشد ۸۰ درصدی، به کیلویی ۵ هزار تومان رسیده است یا آنکه پرتقال به کیلویی ۸۰۰ تومان افزایش یافته است. ۴۰۰ نفر از دانشمندان در سراسر جهان طی یک تلاش چهار ساله در گزارشی که بیشتر یاد شد متذکر شده اند که تولید نادرست مواد غذایی و یا تبدیل مواد غذایی به کالای تجاری، نابرابریهای شدیدی در توزیع و سود بری داشته و همزمان، اثرات مخرب اکولوژیکی در پی داشته است که محیط زیست را نیز به خطر انداخته است.



علم و تکنولوژی در جریان پیشرفت خود باید نه تنها در خدمت کشت و تولید مواد غذایی باشد بلکه، راههای محافظت از زمین کشت، آب و جنگلها را نیز کشف کنند؛ همه ی عواملی که تحت حکومت جمهوری اسلامی و حکومتهای سود جو و بی توجه، به نابودی کشیده شده است.

از سوی دیگر، دانشمندان معتقدند که به کارگیری محصولات کشاورزی برای تولید سوخت ایده کاملا خوبی نبوده است و قیمت مواد غذایی را افزایش داده است. مهمترین آن افت کشاورزی سطح پایین تر بوده که به تدریج نابود می شود. اما مدافعان محیط زیست نظر کاملا انتقادی و مخالف در این مورد دارند. آنها معتقدند که عامل اصلی این شرایط، به کار نرفتن روشهای صحیح در کشاورزی صنعتی است. کشاورزی خرد و متدهای اکونالوژیک می تواند بحران کمبود مواد غذایی را تخفیف داده و دستکم نیازهای منطقه ای را بر آورده کند. در واقع، کشاورزی خرد حفظ محیط زیست بازنده تجارت آزاد شده است. این که کشورهای در حال توسعه محصولات ارزان قیمتی را که شامل سوسپسیدها شده اند خریداری می کنند، از مهمترین ضررهایی است که به کشاورزی زده می شود.

بنابراین، یکی از اقدامهای مهم و اساسی، حمایت و تقویت کشاورزی که وابستگی کمتری به سوخت فسیلی دارد و منابع منطقه ای را مورد استفاده قرار می دهد، است. همچنین پرورش های طبیعی از جمله چرخش نوع محصول کشت و به کارگیری کودهای طبیعی باید مورد حمایت و در دستور کار دولتها قرار گیرد.

به تازگی ۶۰ کشور جهان در حمایت از بانک جهانی و سازمان ملل متحد اعلام کردند که برای تغییرات بنیادی در امر کشاورزی در سطح جهان تلاش خواهند کرد تا در حل مشکلات کمبود مواد غذایی، بالا رفتن قیمتها و معضلهای روز افزون زیست محیطی کمک کنند. قابل توجه است که ایالات متحده آمریکا، انگلیس و کانادا از تعهد بدین امر خودداری کرده اند.

## لبنان، سرزمینی بین چرخ دنده ماشین بحران

جعفر یویه

نمایش قدرت حزب الله در بیروت و اشغال سریع بخش غربی شهر توسط نیروهای مسلح آن زنگ خطر جدی‌ای را برای دولت سینیوره به صدا درآورد. همچنین حمله برق آسای حزب الله به منطقه سنی نشین تحت تسلط سعید حریری و اشغال دفتر روزنامه و شبکه تلویزیونی وابسته به او، خط و نشان جدی حسن نصرالله برای حریری و حامی آن، عربستان سعودی بود. حزب الله لبنان پس از جنگ ۳۳ روزه با اسرائیل، موفقیت در عدم نابودی خود را دستمایه تسلط گام به گام بر لبنان کرده است. حزب الله اکنون به عنوان دولتی در دولت لبنان عمل می کند حاضر به گردن گذاشتن و یا پذیرفتن حاکمیت ملی و قوانین داخلی کشور نیست. شبکه مخابراتی حزب الله و نصب دوربینهای مدار بسته در مسیر فرودگاه بیروت و شنود مکالمات و جمع آوری اطلاعات گسترده توسط آن چیزی بود که مورد اعتراض دولت قرار گرفت. دولت سینیوره حکم به تعطیلی شبکه مخابرات و جمع آوری دوربینها داد و فرمانده امنیتی فرودگاه، وفتی شقییر را نیز از کار برکنار کرد. حزب الله نه تنها هیچکدام از مصوبات دولت را نپذیرفت بلکه با اشغال بخش غربی بیروت به دولت نشان داد که دولت دست بسته تر از آنی است که فکر می کند. از جانب دیگر، شاخ و شانه کشیدن حزب الله و تسلط سریع آن بر بخش غربی بیروت برای حامیان دولت سینیوره بسیار گران تمام شد و آنان را ناتوان از واکنش به موقع و قدرت دخالت نشان داد. آمریکا و فرانسه در غرب و عربستان سعودی و مصر در منطقه عربی ناتوان از برخوردی درست و به موقع، تنها به اعتراضهای پرسروصدا بسنده کردند و اتحادیه عرب هم فقط با صدور بیانیه توانست عکس العمل نشان دهد. هرچند هیاتی میانجی از سوی اتحادیه عرب، سران گروههای درگیر را به کنفرانسی در دوحه فرا خواند تا تحت سرپرستی شیخ احمد جاسم آل ثانی، نخست وزیر قطر، به مذاکره بپردازند اما از قبل قابل پیش بینی است که حزب الله هرگز از مواضع خود عقب نخواهد نشست و این دولت لبنان است که باید بپذیرد که با وجود حزب الله توان اعمال قدرت ندارد. خبرهای منتشره از کنفرانس دوحه عقب نشینی دولت را تکمیل می کند. حزب الله نیروهایش را از خیابانها به پایگاههای خود عقب می کشد و بیانیه

کند بلکه، حامیان جریانات متفاوت را به دخالت می کشاند و سوریه و رژیم جمهوری اسلامی را در برابر طرفهای دیرینه خویش قرار می دهند. به زبان دیگر، حزب الله جنگی نیابتی را آغاز خواهد کرد که صحنه گردان آن کسانی دیگر هستند که لبنان را به عنوان میدان درگیری خود برگزیده اند تا مرزهای خویش را با این سیاست از برخورد مستقیم دور نگه دارند. برای دریافت این که سیاست مزبور تا چه اندازه می تواند کارساز باشد، باید احتمالا و امکانهای دیگر آنرا در نظر گرفت. لبنان سالهاست که از سوی گروههای متفاوت صحنه تاخت و تاز کشورهایی شده است که منافع خود در بازی در زمین لبنان جستجو می کنند. جنگ داخلی از "عروس کشورهای خاورمیانه"، مخروبه ای ساخته است که هر گوشه آن سالها خونریزی و برادر کشی را گواهی می دهد. حضور اسرائیل در لبنان و حمایت آن از گروههای مسلحی که تنها مرگ را بشارت می دادند، به همراه نظامیانی که برای پول می جنگیدند، هست و نیست مردم لبنان را به باد داد. پس از فرو نشستن این دور از درگیری، دور تازه ای از کشاکش آغاز شده است که نیروهای درگیر آن از جنس دیگری هستند. رژیم جمهوری اسلامی با دو پاره کردن گروه شیعی امل و سازمان دادن حزب الله، نیرویی جهانی را بنا نهاد که با حمایت سوریه مجهز به انواع و اقسام اسلحه ها و تجهیزات مرگ آفرین است. این نیرو که ریشه در اختلافات قومی و مذهبی و کشاکشهای سیاسی غیر ملی دارد، در اندک زمانی توانست افراد زبده زیادی را سازمان داده و با تمرینات نظامی فشرده تبدیل به یک کابوس شود. جنگ یک طرفه حزب الله با اسرائیل و رویارویی بی دلیل اسرائیل با آن که نیمه کاره رها شد، توانست برای حزب الله حیثیتی سیاسی بسازد. آنچه حزب الله در آسمانها به دنبال آن بود، با دست باز توسط اسرائیل به او اهدا شد. حال دیگر این نیروهای شبه نظامی و مسلح حزب الله هستند که هیچ قانونی را به رسمیت نمی شناسند و هرگونه خواست دولت قانونی برای رعایت قانون را با توسل به اسلحه پاسخ می دهند. یکه تازی حزب الله و عدم رعایت قوانین ملی در لبنان، از آن دولتی در دولت ساخته است که بیش از اینها قدرت و توانمندی دارد. در عین حال بیش از اینکه مستقل و خواهان اجرای سیاستی ملی در لبنان باشد، مدافع منافع بنیانگذاران و حامیانی است که به دلایل متفاوت آنرا بنا نهاده اند. هزینه سرسام آور رژیم جمهوری اسلامی ایران برای حزب الله و ارسال

انواع و اقسام جنگ افزار از پل هوایی ای که سوریه در اختیارش قرار می دهد، توقعاتی را از آن در خواست دارد که چند گانه است. از یک سو حزب الله منافع دولت سوریه که اکنون وادار به عقب نشینی شده است را در نظر دارد. سوریه بیش از اینکه نگران حاکمیت ملی در لبنان باشد، نگران شکل گیری یک جریان قدرتمند در لبنان است که می تواند در درازمدت منافع آنرا به خطر بیندازد. بنابراین وظیفه حزب الله این است که مانع شکل گیری یک دولت توانمند و قادر به مانور در منطقه باشد. از سوی دیگر، رژیم جمهوری اسلامی که سودای یک خلافت اسلامی را در سر می پروراند، حزب الله را به عنوان بازوی اجرایی سیاسی می بیند که باید منافع استراتژیک آنرا در منطقه تضمین کند. این تضمین منافع درازمدت شمشیر دو لبه ای است که حزب الله را گاه به عنوان یک نیروی سیاسی عمل گرا و گاه در نقش یک نیروی فشار نظامی خودسر جابجا می کند. این نقشهای دوگانه گاه چنان باهم متضاد هستند که مردم کوچه بازار لبنان را به سرگیجه دچار می کند. زیرا نه می توانند از نیرویی که قادر است در مقابل تهاجمات عنان گسیخته اسرائیل مقاومت کند دل بکنند، نه می توانند خودسریها و ششلول بندیهای عناصر آنرا که قادر به قتل و کشتار هر کس در هر لحظه برای حفظ منافع خود هستند، تحمل کنند. این دوگانگی آنقدر پیچیده است که می توان گفت کسانی که برای افشای ماهیت حزب الله، بحران روزهای گذشته را آفریدند تا روی دیگر چهره کریه آنرا افشا کنند، بیهوده اندیشیده اند. زیرا حزب الله با سازماندهی قوی و اطاعت محض از یک رهبری ایدئولوژیک قادر است به سرعت تغییر چهره دهد و بحران سازان را ناکام کند. اکنون دیگر بر بسیاری واضح شده است که حزب الله قدرتی در قدرت در لبنان است که با بودن آن، دولتهای قانونی در مقابلش کم رنگ هستند. هیچ تصمیمی بدون رعایت نظر حزب الله اجرایی نمی شود و بدون دخالت مستقیم آن در قدرت، دولت نخواهد توانست اعمال اتوریته کند. اما حزب الله نیز با چشم باز همه اتفاقات را زیر نظر دارد و حداقل خواسته اش از دولت، حق وتو در دولت و پارلمان است. یعنی، رهبر حزب الله بدون اینکه بر زبان آورد، خواهان همان قدرتی است که علی خامنه ای در ساخت قدرت در ایران دارد: حق وتو و از حیض انتفاع ساقط کردن همه قوانینی که با مزاج آن سازگار نیست. آیا چنین چیزی در لبنان امکان پذیر است؟ و یا گروههایی که ساخت قدرت

بقیه در صفحه ۱۱

## کاوه عزیز پور قربانی نظام جهل و جنایت



زینت میرهاشمی زندان، شکنجه، به قتل رساندن در زیر شکنجه واکتشافی رژیم، سرکوبگر و درمانده است که در برابر یویشهای اجتماع، مردم، به کار گرفته می شود. شب پرستان، که امنیت خود را با زدن غل و زنجیر بر کنشگران، سیاست، و اجتماع در هیئت شلاق، و شکنجه جشن می گیرند فقط کافی است یک روز بر ترس خود غلبه کرده و در پشت سلاح شکنجه و کشتار سنگر نگیرند تا آن وقت ببینند که چگونه نظامشان نابود می شود.

کاوه عزیز پور، زندانی سیاسی کرد، بعد از دو سال قرار داشتن زیر شکنجه، فشار و آزار در سایهچالهای رژیم، جنایت، صبح روز آدینه ۲۷ اردیبهشت در بیمارستان ارومیه جان سپرد. مرگ کاوه عزیز پور از جمله مواردیست که فعالان سیاسی کرد در زندانهای رژیم در اثر شدت شکنجه راهی بیمارستان شده و به طرز مشکوکی جان می سپارند. ابراهیم لطف الهی دانشجوی رشته حقوق دانشگاه در سنجند چندی پیش در اثر شکنجه جانش را از دست داد و چندین فعال سیاسی کرد همچنان در زندان و زیر فشار قرار دارند. فقدان کاوه عزیز پور را به یاران و خانواده او تسلیت گفته و خواهان آزادی تمامی زندانیان سیاسی هستیم.

۲۸ اردیبهشت ۸۷

## لبنان، سرزمینی بین چرخ دنده

### ماشین بحران

بقیه از صفحه ۱۰

را در لبنان شکل می دهند حاضر به گردن گذاشتن به چنین شرطی هستند؟ اسرائیل به عنوان همسایه، با حضور قدرتمند حزب الله در لبنان منافع خود را در خطر می بیند. سوریه هرچند در جلسات و گردهم آییهای سران عرب جانب آنان را می گیرد تا رژیم ایران و یا اسرائیل را، اما به ناچار وجود حزب الله را غنیمتی می داند که حداقل در کوتاه مدت با منافع آن همخوانی دارد. درگیریهای مذهبی و کشاکشهای سیاسی منطقه ای عربستان سعودی و رژیم ایران، روی دیگر کشاکش حزب الله و سعید حریری است. سعید حریری که رهبری فراکسیون اکثریت را در مجلس لبنان دارد، از نظر قانونی جایگاهی سازگار را با توجه به حامیانش اشغال کرده است. اما این جایگاه با توجه به قدرت نظامی حزب الله نمی تواند چندان کار آیی داشته باشد و در عمل کار ساز نیست.

اکنون بیش از دوسال و نیم است که نظام سیاسی لبنان به حالت فلج دچار شده است. حزب الله همه تحركات سیاسی را منجمد کرده است و در شش ماه گذشته جریانات سیاسی قادر به انتخاب رئیس جمهور نشده اند. این بن بست سیاسی موقعیت بسیار مطلوبی را برای حزب الله به بار آورده است. گسترش شاخکهای نظامی و همه گیر کردن تشکلهای سیاسی و عضوگیری از بین جوانان برای نیروهای مسلح خود، امری است که حزب الله به سرعت بدان مشغول است. اگر این بن بست سیاسی همچنان ادامه داشته باشد، می توان اینگونه گفت که در دراز مدت قفل آن به وسیله حزب الله و به شکل مطلوب آن باز خواهد شد.

سیاست یکجانبه و مبتنی بر زور اسرائیل یکی از دلایل این بن بست است. حملات نظامی موسمی و بی حاصل اسرائیل تنها می تواند حساب جاری حزب الله را انباشته تر کند. دندان نشان دادن عربستان سعودی با حمایت آمریکا و سرگردانی سیاستمداران مصری در آرایه پیشنهادی عملی و راهگشا، تنها می تواند حسن نصرالله را فریب دهد. زیرا این او و جریان تحت امرش هستند که با انگشت اشاره همه راه ها را به سوی یک جنگ گسترده و به ظاهر آزادیبخش نشانده رفته اند. موج نفرت از اسرائیل و خستگی از کشاکشهای بی حاصل و تحقیر به دلیل ناتوانی در سیاستگذاری، مردم را به حزب الله نزدیک می کند، بدون اینکه به عاقبت این امر اندیشه کرده باشند. کسی هم از آنان انتظار ندارد تا در بلبشوی سیاسی کنونی جانب کسانی را بگیرند که قادر به پیشبرد عملی قول و قرارهای خود نیستند.

از سوی دیگر، موقعیت بسیار اسفناک مردم فلسطین به دلیل سیاستهای غیر انسانی دولت اسرائیل می تواند دلیل دیگر این گرایش به سوی حزب الله باشد؛ چیزی که اسرائیل حاضر به حل و فصل آن نیست و ملتی را در عمل به سوی نابودی سوق می دهد. مشکل کسی باور کند که دولتمردان

اسرائیلی از روی حسن نیت مردم فلسطینی را گرسنگی می دهند که یا بمیرند و یا ترک دیار کنند و برای سیر کردن شکم خود و نجات فرزندانشان از مرگی حتمی که اسرائیل برای آنها در نظر گرفته، فرار را بر قرار ترجیح دهند. این موقعیت اسفناک، دشمنان لفظی و یا تبلیغی اسرائیل را فریب می کند و مردم از ترس گرگ درنده ای همچون اسرائیل به دامن سگ هاری همچون حزب الله پناه می برند. پیش برنده سیاست انزوی حزب الله، تنها می تواند توجه به مناطق فلسطینی و اتخاذ سیاستی انسانی و قابل قبول در برابر آن باشد تا چشم اندازی هرچند اندک از بهبودی را برای مردم تصویر کند. و گرنه هیچ دلیلی ندارد تا با توجه به این موقعیت اسفناک، کسی بتواند از مردم بخواهد به جبهه دشمنان اسرائیل و یا جنگ افروزان نپیوندند و جانب عقلانیت را نگاه دارند.

رژیم جمهوری اسلامی که اکنون بحران در منطقه است، سعی می کند تا با پراکنده کردن این بحران در مناطق گوناگون، کانونهای مختلفی را برای طرفهای مقابل خود بسازد. حزب الله لبنان یکی از بازوهای آن است که در صورت هر گونه درگیری می تواند جبهه ای قوی علیه دشمنان رژیم باز کند. تحرک کنونی آنرا بسیاری یک نمایش قدرت از سوی رژیم تهران می دانند. آنها سعی می کنند با نشان دادن توان اجرایی خود، دیگران را از عواقب هر گونه تحرک نظامی بر حذر دارند. این سیاست می تواند در عمل لبنان را به کانونی بسیار پر اهمیت تر از چیزی که اکنون هست تبدیل کند. یعنی اینکه مردم لبنان باید انتظار یک درگیری بلند مدت و تعیین تکلیف با نیرویی که با خودسری سعی در تحمیل خود دارد را داشته باشند. در آن صورت بار دیگر آتش جنگ از هر کوی و برزنی بلند خواهد شد و لبنان را به سالهای ۷۵ تا ۹۰ باز خواهد گرداند.

اما آیا موقعیت کنونی منطقه و آرایش نیروها این امکان را برای قدرتهای درگیر فراهم خواهد کرد؟ پاسخ به این سوال بسیار مشکل است. اما آنچه که نباید از نظر دور داشته شود این است که ادامه حضور حزب الله به شکل کنونی امکان پذیر نیست و نیروهای درگیر در منطقه، اروپاییها و آمریکا از یک جانب و کشورهای عربی از جانب دیگر، راه حل دیگری در پیش ندارند و یا اینکه اکنون چیز دیگری به نظر نمی رسد. در هر حالت این لبنان است که بین تیغه نیروهای متخاصم گرفتار شده است و هر کس بسته به بضاعت، سهم خود را در بحران آن ادا می کند.

امید آرامشی برای لبنان در چشم انداز نیست، همچنانکه سیاست در منطقه خاورمیانه به سوی یک آرامش میل نکرده است. منطقه به شدت بحرانی خاورمیانه به دلیل حضور نیروهای متفاوت مجری بحران، به کانونی از مناقشه تبدیل شده است. چیزی که زندگی مردم منطقه را بر آشفته کرده است و آرامش را از آنان دریغ می کند. باید در انتظار امواج بزرگتری از بحرانشا بود که بسیاری را با خود خواهد برد.

## لُقمه پایین زرفتنی شکر در گلوی دولت و پدر خوانده هایش

منصور امان اعتراضات پی گیر و گسترش یافته کارگران هفت تپه، منافع سرشار واردات شکر از سوی دولت نظامی - امنیتی و پدر خوانده های رانت خوار و خجسته نشین آن را به لقمه ای گلو گیر و هضم نشدنی بدل ساخته است.

با گذشت هر روز از ادامه ی این اعتراضها و کشیده شدن بیشتر رسوایی تجاری آقایان احمدی نژاد، مصباح یزدی و مکارم شیرازی به کانون توجه افکار عمومی، بر شدت تناقض و چند پاره گی دلایلی که متهمان و مظنونان برای به هم آوردن موضوع و تبریه خود عنوان می کنند نیز افزوده می شود.

آقای علی اکبر جوانفکر، یکی از کارچاق کُنها و لایبهای پُر شماری که زیر تیتیر "مُساور رییس جمهور" روزی می خورد و خرجی می گیرد، جدیدترین ماله را بر افتضاح به سطح آمده ی ذوب شدگان در ولایت کشیده است. متد این آقا حاشا کردن اصل موضوع از بُنیاد و چرخاندن متن آن از سر بدینگونه است: "شبکه انحصار، شکر را با قیمت ارزان وارد کشور کرد و دولت برای حمایت از تولید داخلی، شکر را از کارخانه های تولید کننده به قیمت هر کیلو ۵۶۰ تومان خرید."

"مُساور" مربوطه که به نظر می رسد مایل است به هر قیمتی سهمی در رها ساختن گریبان چاک خورده ی شیرین دهنان از چنگ کارگران و داوری جامعه داشته باشد، فراموش کرده است که آقای احمدی نژاد پیشتر (آذر ماه سال گذشته) در یک برنامه تلویزیونی به واردات شکر توسط دولت اعتراف کرده و دلیل آن را یک جا "تهدیدات و ذخیره سازی استراتژیک" و در جای دیگر "بالا بودن قیمت در بازار داخلی" عنوان کرده بود.

آقای جوانفکر شلختگی ذهنی رییس خود را با کم حافظه گی دردرس سازش تکمیل کرده است. او همچنین از خاطر برده است که چگونه دولت در آبان ماه ۸۶ با رساندن تعرفه واردات شکر به صفر و برداشتن سقف واردات آن، مسیر را برای آن که "شبکه انحصار" بیش از ۳ میلیون تن شکر به بازار بریزد و دُعا گوین کارد را بر گلوی صنعت داخلی بمالد، هموار کرد و آب و جارو زد.

طعم این شکر با تزریق هر مقدار گلوکز مصنوعی هم در کام گماشتگان و شرکای ولی فقیه شیرین نخواهد شد. این را کارگران گرسنه هفت تپه به آنها نوید داده اند.

۲۸ اردیبهشت ۸۷

## سرنوشت مردم ایران و عراق به هم گره خورده است

الف. آناهیتا

مستقیماً در مسایل داخلی عراق دخالت کرد.

به بیانی دیگر جنگ امپریالیستی و اشغال عراق فرصتی طلایی به حکام تهران داد و امروز این رژیم از هر ابزاری جهت بیرون راندن نیروهای آمریکایی و ناکارا نشان دادن آنان در عراق جهت بسط و توسعه تسلط نتگین خود استفاده می کند. ادامه و تشدید دخالت‌های رژیم در مسایل داخلی این کشور، مردم محروم عراق را میان منگنه ای تنگ که یکسوی آن اشغال به مثابه تضاد عمده در عراق و سوی دیگرش اشغال پنهان عراق توسط رژیم ایران به مثابه تهدید عمده گرفتار کرده است. منگنه ای که یکسوی آن را نیروهای امپریالیستی و سوی دیگر آن را رژیم ایران تشکیل می دهند.

تلویزیون الجزیره در فروردین ماه با ارائه گزارشی تصویر اسفبارعراق امروزی را به نمایش می گذارد. بر اساس این گزارش در حال حاضر بیش از پنجاه هزار زندانی عراقی وجود دارد که اغلب آنان محاکمه نشده اند. تعداد افراد ناقص العضو سی درصد نسبت به قبل از سال ۲۰۰۳ بالا رفته و تعداد کشته ها بر اساس آمار موسسه «اوباربی» انگلستان به یک میلیون و دویست هزار نفر رسیده است. میزان بیکاری پنجاه درصد است. یک میلیون زن بیوه و مطلقه در عراق وجود دارد که با مشکلات عدیده ای روبرو هستند. آنان در فاصله سنی پانزده تا هشتاد سال قرار دارند. نزدیک به شش میلیون کودک یتیم در عراق وجود دارد که والدین آنها در اثر انفجارها و کشتار فرقه یی، کشته شده اند. روزانه بیست و پنج هزار کودک آواره می شوند. در همین رابطه جان هوگنز، معاون دبیر کل سازمان ملل متحد در جریان سمینار سازمان ملل در امان نسبت به وخامت اوضاع انسانی در عراق طی دو سال گذشته به دلیل وضعیت بد امنیتی و کمبود خدمات اساسی هشدار داد. وی ابراز داشت که چهار میلیون عراقی بدون غذای کافی به سر می برند و چهل درصد از عراقیان فاقد آب آشامیدنی می باشند. به گفته وی این در حالیکه که یک سوم جمعیت عراق فاقد رسیدگیهای پزشکی ضروری هستند. نه درصد کودکان عراقی زیر سن پنج سال از کمبود شدید تغذیه رنج می برند.

بی تردید رژیم ولایت فقیه به عنوان اصلی ترین تهدید در عراق نقش مهمی در وضعیت نگران کننده ای که مردم عراق روزانه با آن دست به گریبان هستند، دارد. اما مردم عراق نیز خاموش ننشسته اند. آنان با کمترین ابزار مبارزاتی به میدان آمده و با تشکیل شوراها و بیداری و برپایی اجتماعات از یکسو دولت نوری المالکی بقیه در صفحه ۱۳

طلابع اسلام با حمایت مستقیم وزارت اطلاعات حکام تهران و در ایران تشکیل شده است. تلویزیون الشریقه نیز در شانزده فروردین امسال در مورد جلال صغیر، از سرکردگان مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق گفت: «شخصی عمده دار متهم به اداره زیرزمین شکنجه و قتل در مسجدهای خطیب آن می باشد، به رسانه های مستقل عراقی حمله کرد و گفت که دولت عراق باید کانال ماهواره ای «الشریقه» را تعطیل کند.» اخبار و گزارشها پیرامون سرقت نفت عراق توسط رژیم ولایت فقیه با کمک دولت نوری المالکی، شکنجه و قتل محققان و افراد مستقل و سکولار که برای استقرار صلح در عراق و منطقه تلاش می کنند، صدور سلاح و حمایت فکری از نیروهای ارتجاعی و .. فراوان است. اما یکی از مهمترین حوادث ماه گذشته که صریحاً موضع آشوب گرایانه رژیم ایران که نتیجه آن کشتار روزانه مردم محروم عراق و در نهایت ادامه جنگهای فرقه ای است را آشکار ساخت، سخنان کاظمی قمی، سفیر جمهوری اسلامی در کنفرانس مطبوعاتی اش بود. وی صریحاً با مهار کردن بحران بصره و از بین بردن نیروهای شبه نظامی مسلح مخالفت کرد. این گزاره گویی سفیر رژیم آن چنان مایه رسوایی او شد که صدای مخالفت یکی از نمایندگان پارلمان عراق را نیز در آورد. مثال الالوسی در طی اظهارتش در تاریخ دوم اردیبهشت امسال که توسط تلویزیون الحرحه گزارش شده است در رابطه با اظهارات کاظمی قمی گفت که بهتر است چنین افرادی از کشور اخراج شوند چرا که حضور آنان اهانت و دهن کجی به عراق و خطری برای امنیت ملی عراق است. تلویزیون الحرحه عنوان کرد که سیاستمداران عراقی اظهارات کاظمی قمی را دخالت آشکار در امور داخلی عراق و نقض عرف دیپلماتیک و خطری برای امنیت ملی کشور می دانند. اسامه نجفی نیز از فراکسیون عراق ملی خواستار اخراج کاظمی قمی از عراق شد و افزود او طوری صحبت می کند گویی نماینده عالی و صاحب اختیار است!!

رژیم ولایت فقیه که در حمله به عراق و اشغال این کشور به آمریکائیکها باری رساند، با صرف سرمایه های هنگفت و حمایت از ایجاد دولتی متشکل از نیروهای دست پرورده و سرسپرده خود و تدوین قانون اساسی مبتنی بر آنچه منافع او را در منطقه تامین می کرد

و رد و بدل پول از طریق مرزها نیست بلکه این افراد برای آموزش به ایران می روند و دوباره برای انجام وظیفه به عراق برمی گردند. ماه گذشته مقادیر بسیار زیادی موشکهای گراد ساخت ایران و انواع بسته های انفجاری، موشکهای انفجاری و سلاح سنگین، متوسط و سبک در بصره کشف و ضبط گردید. تلویزیون الشریقه در روز ۲۳ فروردین امسال اعلام کرد که موشکهایی به طول یک و یک و نیم متر از ایران واردعراق شده که از آنها در موشک باران منطقه سبز و برخی مناطق دیگر بغداد استفاده می شود. یک مقام امنیتی در همین رابطه اضافه کرد که شبکه موشکی مزبور به اسم شبکه «کرد» شناخته می شود و شخصی به نام حاج مهدی گیلانی که مقر وی در منطقه بحیره در نزدیکی الحبیبه در شرق بغداد می باشد، آن را هدایت می کند. به گزارش الشریقه مورخ ۲۳ فروردین ارتش عراق از کشف و ضبط تعداد زیادی سلاح و بسته انفجاری و موشکهای ساخت رژیم ایران در منازل شبه نظامیان در منطقه هندیه واقع در شرق بصره خبر داد.

وزارت اطلاعات و یادوهای رژیم همانطور که در داخل ایران عناصر اصلی مافیای مواد مخدر را تشکیل می دهند این سیاست را نیز عملاً در عراق پیاده کرده اند. روزنامه بین المللی الزمان در ماه فروردین امسال از دستگیری چهار نفر ایرانی که به فروش مواد مخدر در منطقه کرکوک مشغول بودند، خبر داد و ادامه می دهد که عراق به بازار مواد مخدر رژیم حاکم بر تهران تبدیل شده است و دولت عراق نیز تلاشی جهت جلوگیری از این فاجعه نمی کند. برپایی چوبه های دار و شکنجه گاه در عراق توسط وزارت اطلاعات همچنان رونق دارد. در همین رابطه روزنامه الزمان در شانزده فروردین امسال عنوان کرد که وزارت اطلاعات رژیم از مسجد براتا به عنوان شکنجه گاه استفاده می کند. این گزارش تاکید می کند که تلاشهایی برای جمع آوری اسناد و مدارکی به منظور محکوم کردن عناصر و طرفهای سیاسی که خود را پشت عناوین رسمی و غیر رسمی مثل سازمان طلابع اسلام به ریاست جلال الدین صغیر، عضو پارلمان عراق پنهان می کنند، در جریان است. این سازمان مستقیماً از حمایت خارجی برخوردار است و به آن در رابطه با دست داشتن در اعمال تروریستی مانند کشتن نخبگان دانشگاهی شک وجود دارد. سازمان

اخبار و گزارشها پیرامون دخالت‌های رژیم ایران در مورد دخالت در امور داخلی عراق به روشنی نشان می دهد که مذاکره بین دو اشغالگر جهت کاهش این بحران نه تنها تاثیر مثبتی بر کاهش بحران نداشته، بلکه جمهوری اسلامی گستاختر از پیش عراق را به جولانگاه اوباش و مزدوران خود تبدیل کرده است. این پدیده نشان می دهد که سه مذاکره قبلی ایران- آمریکا قادر نبوده منافع دو طرف به خصوص منافع رژیم ایران را تامین کند. این مذاکرات ماهیت آشوب طلبی رژیم ایران را بیش از پیش آشکار ساخت.

رژیم ولایت فقیه گذشته از نیروهایی که با آنان اهداف استراتژیک دارد از دیگر نیروهای ارتجاعی تا آنجا که بتواند، به عنوان نیروی فشار جهت پیشبرد سیاستهای سلطه طلبانه خود استفاده می کند. بدین ترتیب کشور عراق را به حمام خونی از کشتار مردم بیگناه و ترور زنان، فعالان سیاسی سکولار، مترقی و مدافعان حقوق بشر تبدیل کرده است.

به گزارش تلویزیون الحرحه مورخ ۲ اردیبهشت ماه امسال، یکی از فرماندهان گروههای ویژه وابسته به رژیم در منطقه کاظمیه توسط نیروهای آمریکایی دستگیر گردید. همین خبرگزاری در تاریخ ۲۹ فروردین، از کشف و ضبط هزار و دویست بسته انفجاری ساخت رژیم در منطقه یوسفیه، در جنوب بغداد خبر داد. افزون بر این تعدادی راکت صد و هفت میلیمتری از شبه نظامیان در منطقه الرشید به دست آمد که همگی ساخت ایران است. بر اثر یک درگیری بین مرزبانان عراقی با ماموران رژیم ایران هفده محموله مهمات متشکل از بمبهای کنار جاده ای توقیف شد. این درگیری در منطقه مندلی از توابع خانقین هم مرز با استان کرمانشاه روی داد. در همین رابطه سرلشکر ستاد عبدالجلیل خلف، فرمانده پلیس سابق بصره طی یک کنفرانس مطبوعاتی به تاریخ بیست و نهم فروردین ماه امسال اعلام کرد که افراد مسلحی که متخصصین و استادان را در استان بصره هدف قرار می دهند به ایران فرار می کنند. در یادار پاتریک دریسکول، سخنگوی نیروهای چند ملیتی از آموزش و پرورش عناصری در ایران که وظیفه آنها قتل مردم عراق و نیروهای چند ملیتی می باشد، خبر داد. وی اضافه کرد که مشکل فقط ورود سلاح

## بیروت، بصره ی

## حزب الله

منصور امان

با بستن یک وزنه ی دیگر در لبنان به پای خویش، جمهوری اسلامی در گرداب بحران بین المللی خود خواسته اش بیشتر فرو می رود. واکنش تند و صریح آمریکا و عربستان، دو نیروی محرک تحولات در خاورمیانه در برابر اسلحه کشی خیابانی حزب الله، دروازه نیمه گشوده بحران داخلی لبنان را به تمامی به روی همه ی بازیگران اصلی این صحنه باز کرده است.

آقای بوش با کشیدن خط موزی بین ماجراجویی باند مسلح حزب الله با اقدامات حماس و شبه نظامیان بنیادگرا در عراق، تصریح کرده است که بخش زیادی از سفر هفته آینده او به خاورمیانه، به جلب توجهات نه فقط به لبنان بلکه، به ایران اختصاص خواهد یافت. با توجه به سخنان وزیر خارجه عربستان سعودی، به نظر نمی رسد رییس جمهور آمریکا برای این کار به تلاش زیادی نیاز داشته باشد. آقای سعود الفیصل، جمهوری اسلامی را متهم کرد که طرف اصلی جنگ "فراگیر" داخلی در لبنان است و آن را "مُدیریت" می کند. او همچنین به رژیم ملأها هشدار داد که حمایت آن از "کودتای حزب الله"، بر روابط تمام کشورهای عربی با تهران تأثیر می گذارد.

آنچه که هم اکنون بر باند مسلح حجت الاسلام مقتدی صدر در عراق می رود، برای دریافت آنکه عهده دار شدن نمایندگی جنگی سیاست رژیم ملأها دیگر چندان پیشه بی دردسری نیست، کافی به نظر می رسد. این تحول در عراق، بیش از همه به دلیل موفقیت جمهوری اسلامی در نزدیک کردن مواضع طرفهای دارای منافع در این کشور به یکدیگر و قانع کردن آنها به درک تأثیرات مستقیم و نتایج آتی سیاستهای مداخله گرایانه و تنش آفرین خود شکل گرفته است.

ماجراجویی اخیر حزب الله، روند یاد شده را چند گام به جلو پرتاب کرده است. در ادامه این مسیر و همراه با منطقه ای یا بین المللی شدن کانونهای پراکنده بحران، این فقط شعبه های خارجی "تولید اقتدار" جمهوری اسلامی نیستند که با پیامدهای اقدامات مرکز خود روبرو خواهند شد.

۲۵ اردیبهشت ۸۷

## به حمایت از یکدیگر بشتابیم

لیلا جدیدی



ارژنگ داودی، معلم، شاعر، نویسنده و زندانی سیاسی، از سلول خویش طی یک نامه شجاعانه به افشای زندانهای مخوف رژیم ولایت فقیه پرداخته است. او از اینکه چگونه "همین قانون نیم بندی که در دنیای متمدن امروز هیچ ارزش حقوقی ندارد" به هیچوجه اجرا نمی شود، سخن گفته است.

سالهاست که فعالان حقوق بشر، سازمان عفو بین الملل و خانواده آقای داودی دست به تلاشهای گسترده ای برای آزادی او از زندان زده اند. با این حال، همین بی قانونی و به قول خود او "مافیای درون زندان"، او را به دور زدن زندانهای اوین، رجایی شهر و مرکزی بندر عباس کشانده است.

در صورتی که شکنجه های روحی- روانی و جسمی اعمال شده بر ارژنگ داودی بی حد و حصر بوده، در همان شرایط به مدت ۱۰ روز دست به اعتصاب غذا می زند. با این حال به گفته خود او، به علت اداره خودمختار زندانها توسط باندهای مافیایی حاکم بر آنها، هیچ ترتیب اثری به وضعیت او داده نشده است.

اینکه بر سر بهترین فرزندان ایران زمین که به خاطر دفاع از "حق مسلم خود" که همانا آزادی و عدالت است چنین آمده و می آید، امری بی رویه و حساب نشده در جمهوری اسلامی نیست. فشار و تهدید بیشتر در اجرای "طرح امنیت اجتماعی"، دستگیری و بازداشت دانشجویان، معلمان و کارگران که روزانه شاهد آن هستیم، همگی حاصل رویه سیستماتیک است که حکومت ملأها در واکنش به شکست خود در تمامی عرصه های اجتماعی و اقتصادی پیش گرفته است. رژیم جمهوری اسلامی با تنگ تر شدن درهای فرار از فشارهای بین المللی، نه تنها با تلاشهای مخرب خود صلح در جهان را به مخاطره می اندازد بلکه، در برابر مردم ایران نیز از آن رو که هیچگونه ظرفیتی برای در نظر گرفتن خواسته ها و منافع آنها ندارد، میزان بی رحمتی و خشونت را افزایش می دهد.

با گذشت زمان، مردم ایران بیش از اینها شاهد خشونتهای رژیم علیه خود خواهند شد. هیچیک از زوایای زندگی مردم به سوی بهتر شدن پیش نخواهد رفت و باید شاهد فشارهای بیشتر بود.

از این روست که باید به حمایت از همه هم میهنان تحت ستم ولایت فقیه بشتابیم و همانطور که رژیم یک روز برای ستمگری به خود مرخصی نمی دهد، ما نیز نباید در مبارزه، افشاجاری و حمایت از هموطنان دربند خود لحظه ای آرام بگیریم. ۲۴ اردیبهشت ۸۷

## سرنوشت مردم ایران و عراق به هم گره خورده است.

بقیه از صفحه ۱۲

و از سوی دیگر دخالتهای رژیم ولایت فقیه را به چالش گرفته اند و همواره خواستار بسته شدن کنسولگریها و سفارتخانه رژیم جنایتکار حاکم بر ایران بوده و هستند. مهار جمهوری اسلامی به عنوان یکی از فاکتورهای مهم مبارزاتی مردم عراق، مطالبات آنان را با عمده ترین خواست مردم ایران که همانا سرنوشت رژیم ولایت فقیه است به هم نزدیک کرده است. رژیم در داخل با جنبشی که هر روز برنده تر و گسترده تر از پیش در برابرش قد علم می کند روبروست که بر اساس ماهیت استبدادی اش راهی جز سرکوب در مقابل خود نمی جوید. رژیم بحران زا و بحران زی ولایت فقیه در هراس از فروپاشی برای گریز از بحران داخلی و بر پایه خصلت توسعه طلبانه اش جهت تأمین منافع بورژوازی انگلی و تجاری حاکم قادر نیست در چارچوب مرزهای ملی محدود بماند. اساس نظریه ولایت فقیه بر «صدور انقلاب اسلامی» استوار است. اگر نیروی انحصار طلب، سرکوبگر و خشونت طلب حاکم بر ایران در مرزهای خود محدود شود، از درون خواهد پاشید.

بنابراین تضعیف صدور تروریسم و بنیادگرایی یعنی مهار رژیم در عراق و دیگر کشورهای منطقه در رابطه ای تنگاتنگ با سرنوشت رژیم ولایت فقیه توسط مردم ایران است. به بیانی دیگر تضعیف هر کدام به تضعیف دیگری می انجامد. از سوی دیگر تا زمانی که کشور عراق در اشغال باشد تضادهای کشور تحت اشغال پایدار خواهد ماند و رژیم سلطه طلب

ولایت فقیه نیز از این تضادها بهره می جوید. همه این مسایل دست در دست هم می دهد و از رژیم ولایت فقیه تهدیدی عمده برای منطقه و به خصوص برای مردم ایران و عراق می سازد و مبارزه ای پیچیده در برابر تمام نیروهای مترقی، مستقل و مدافع حقوق محرومان عراقی و ایرانی قرار می دهد. مبارزه ای علیه اشغال و علیه رژیم ولایت فقیه که ارج گذاشتن بیش از حد و یا کم بها دادن به هر کدام نسبت به دیگری برآیندی برعکس خواهد داشت. مبارزه علیه رژیم و اشغال در رابطه ای ارگانیک قرار دارد که به موازات یکدیگر می بایست به پیش رود و همبستگی و همیاری همه سازمانهای مستقل و انقلابی ایرانی و عراقی را طلب می کند. این مبارزه از پایین سرچشمه می گیرد و با همیاری و حمایت آنانی که به انسان مستقل از ملیت، نژاد، مذهب و جنسیت ارزش می گذارند و تشنه صلح و عدالت هستند تحقق می یابد. این همیاری و حمایت در صورت انسجام و هماهنگی قادر است توازن قوا را به نفع دو ملت ایران و عراق در مذاکرات بین بالاییها به هم زند. مهار کارکرد صدور تروریسم و بنیادگرایی در عراق و منطقه به قدرت یابی جنبش مردم در داخل کمک می کند و افزون بر آن سرنوشت رژیم توسط مردم ایران و جنبش مترقی سرنگون طلب، به مردم عراق جهت رهایی یافتن از اشغال کشورشان و استقرار دولتی دموکرات و مردمی یاری می رساند. رژیم ولایت فقیه چه در داخل و چه در خارج از تاکتیک سرکوب، آدم ربایی، شکنجه و قتل مخالفان استفاده می کند. این مساله سرنوشت ملت ایران و عراق را به هم گره زده است.



## انتخابات مقدماتی آمریکا

گردآوری و نگارش، اسد طاهری

کین برای ریاست جمهوری تلاش می کند تا اشتباهات سیاسی جرج بوش را دوبار کند اما من برای تغییر این اشتباهات مبارزه می کنم. مک کین به سیاستهای آزمایش شده و رویکردهای شکست خورده و آشنگتن ادامه خواهد داد. من به نمایندگی از مردم آمریکا، به سوق دادن کشور به سمت و سوی تازه خواهم پرداخت.

اوباما همچنین از پیشنهاد مک کین در خصوص کاهش مالیات بنزین انتقاد کرد اما در این خصوص به موضوع مشابه کلیتون هیچ اشاره ای نکرد. این موضع گیری تغییری عمده با موضع هفته گذشته وی در ایندیانا و کارولینای شمالی دارد که در آن به شدت از دیدگاه کلیتون درباره کاهش مالیات بنزین به انتقاد پرداخت.

شور و هیجان ناشی از ظهور این سناتور ۴۶ ساله، تنها ۵۰ درصد رای دهندگان دمکرات را فرا گرفته است، کسانی که تنها یک سوم رای دهندگان نهایی انتخابات را تشکیل می دهند. هیجان حضور اوباما همچنان احساس می شود اما فقط در بخش هایی از جامعه. اوباما بیشتر از آنکه آرای آمریکاییها را به سوی خود جلب کند، حسن نیت آنها را برانگیخته است.

### نابرابری نژادی، یک محور

#### انتخابات آمریکا

"براک اوباما" کوشیده است از ابتدای اعلام نامزدی برای ریاست جمهوری، خود را آمریکایی بخواند. تمام کوشش او بر این بوده است که موضوع نژادی اهمیت زیادی پیدا نکند. اوباما می خواهد خود را کاندیدای همه مردم آمریکا معرفی کند، نه یک گروه و نژاد ویژه، ولی نام، رنگ پوست و مذهب پدرش، از همان روزهای اول مشکل آفرین شد. ابتدا در مجامع محافظه کاران مانند برنامه های رادیویی و تلویزیونی مربوط به این گروه، وی و مشروعیت اش برای ریاست جمهوری مورد سوال قرار گرفت و این زمه ها به مجامع دیگر نیز نفوذ کرد. تا بالاخره با علنی شدن بخشی از سخنان کشیش کلیسای که "اوباما" به آن تعلق دارد، مسایل نژادی بار دیگر در سطح وسیعی مطرح شد.

"اوباما" می دانست کشیشی که او را به کلیسا و خدا نزدیک کرده، خطبه عقدهش را خوانده و دو فرزندش را غسل تعمید داده بود، می تواند برای او خطرناک باشد.

"جرمای رایت"، از بازماندگان جنبش حقوق مساوی برای سیاهان است که سالها در خطابه هایش نه تنها پیروان خود را دعوت به خدا، دین، امید و بخشش کرده است بلکه، از نابرابری و

بقیه در صفحه ۱۵

۲۰۲۵ نماینده را برای قطعی شدن نامزدی خود از سوی حزب دمکرات، به دست آورد.

اوباما تاکنون حمایت ۱۸۵۰ نماینده و کلیتون نیز حمایت ۱۶۹۸ نماینده را بدست آورده و هرکدام در پی آن هستند که پشتیبانی ۲۵۰ نماینده ارشدی را که هنوز از هیچیک از آنها اعلام حمایت نکرده اند، کسب کنند. اما اوباما در آخرین تلاشها برای این هدف، موفق شد نظر بیش از ۲۰ نماینده ارشد دیگر حزب دموکرات را جلب کند در حالی که کلیتون تنها توانست دو رای را کسب کند.

در همین حال اظهاراتی که کلیتون در گفتگو با یک روزنامه آمریکایی به زبان آورد، باعث ایجاد نگرانی حزب دموکرات شده است. این اظهارات می تواند در دراز مدت هزینه زیادی در بر داشته باشد. کلیتون در گفتگو با

روزنامه "یو اس ای تودی" گفت: "مقاله اسوشیتد پرس به خوبی نشان می دهد حمایت آمریکاییهای سخت کوش، آمریکاییهای سفید پوست از اوباما دوباره کاهش یافته است و نشان می دهد سفید پوستان در هر دو ایالت که حتی تحصیلات دانشگاهی شان را تمام نکرده اند به خوبی از من حمایت می کنند."

برخی از اعضای حزب دموکرات اظهارات کلیتون را بدون توجیه و ناپایجا خواندند. اکنون نگرانیهایی وجود دارد مبنی بر اینکه میباید کلیتون تا زمان برگزاری آخرین انتخابات اولیه در ایالتها، به گونه ای پا روی دم اوباما بگذارد که لطمه وارده، تا زمان برگزاری انتخابات عمومی باقی بماند. در حالی که کلیتون تمام حملات خود را معطوف اوباما کرده است، وی اکنون توجه خود را تقریباً به مک کین معطوف کرده است. اوباما اینک در کسب حمایت رهبران حزب دموکرات که تصمیم گیرنده احتمالی درباره نامزد نهایی این حزب هستند، از کلیتون پیشی گرفته است. سناتور جان ادواردز که اوایل امسال از این رقابتها کنار رفت، در مصاحبه ای گفت:

"او پیروز می شود. او در جلب حمایت نمایندگان حزب دموکرات پیشتاز است، او در جلب آرای عمومی پیشتاز است، او موفق شده است وجوه انتخاباتی بیشتری جمع آوری کند و من فکر می کنم این عوامل به سمت شکل دهی به آینده ای نه چندان دور پیش می روند."

اوباما در مبارزات انتخاباتی اش در اورگان توجه خود را به سناتور جان مک کین، نامزد حزب جمهوریخواه معطوف کرده است و تنها زمانی از کلیتون یاد می کند که رای دهندگان درباره وی سوال می کنند. اوباما از طرحهای مک کین برای کاهش مالیاتها و سیاست او در خصوص عراق انتقاد کرد. وی گفت: "سناتور مک

دیدگاه تازه نسبت به طبقه کارگر (با استفاده از پیشینه خانوادگی همسرش) شکل گرفته است اما استفاده از "کارت نژادی و طبقاتی" می تواند شمشیری دولبه باشد که ممکن است به خود او نیز آسیب برساند. اوباما خود در مدرسه ای خصوصی در هاوایی تحصیل کرده و دو دخترش نیز هم اکنون در مدارس خصوصی تحصیل می کنند. اگر چه گذشته زندگی همسرش و حتی خود او - تا حدودی - شبیه وضعیت زندگی طبقه کارگر آمریکاست اما واقعیات کنونی کاری و زندگی وی با بسیاری از مردم آمریکا، به ویژه طبقه کارگر تفاوت بسیار دارد.

اکنون رقابت اصلی بین کلیتون و باراک اوباما، بر سر جلب حمایت نمایندگان ارشد حزب دموکرات است. با توجه به جایگاه هیلاری کلیتون در بین نمایندگان برتر دموکرات که در تعیین نامزد نهایی این حزب در انتخابات تعیین کننده هستند، به نظر می رسد کارتهای برنده خانم کلیتون در حال از دست رفتن باشد. با وجود این تحولات، کلیتون به طور علنی وعده داد به رقابت انتخاباتی خود ادامه دهد. وی همزمان در اظهار نظر درباره اوباما لحن آشتی جویانه تری را دنبال کرد و از شدت انتقادهای خود کاست.

در حال حاضر اوباما فقط به کسب رای 166 نماینده دیگر تا دو هزار و بیست و پنج نماینده ای نیاز دارد که می تواند نامزدی وی را کاملاً تضمین کنند.

مشاوران خانم کلیتون با توجه به این تحولات در رقابتها حزب دموکرات، بر این باورند که اکنون انتقاد از اوباما دیگر گزینه ای موثر برای تغییر جایگاه وی به شمار نمی رود و ادامه انتقاد از وی احتمالاً زیانهای بلندمدتی را برای کلیتون در بر خواهد داشت.

کلیتون با تأکید بر ادامه حضور خود در مبارزات انتخاباتی، این تلاشها را موجب تقویت جایگاه کلی حزب دموکرات در رقابت در برابر حزب جمهوریخواه توصیف کرد. نمایندگان ارشد تقریباً ۸۰۰ شخصیت از حزب دمکرات هستند که در کنوانسیون ملی آن که در آخر اگوست با هدف تعیین نامزد این حزب در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا برگزار می شود، به نامزدی که به نظرشان بهتر است رای خواهند داد. رای این نمایندگان احتمالاً سرنوشت ساز خواهد بود زیرا به نظر نمی رسد هیچیک از دو داوطلب یعنی، کلیتون و اوباما بتوانند در جریان انتخابات مقدماتی حد نصاب حمایت

به نظر می رسد که انتخابات مقدماتی دمکرات ها، طلسم شده است. اگر معجزه ای رخ ندهد، هیلاری کلیتون در گردهمایی نهایی حزب که ماه آگوست در دنور در کلرادو برگزار می شود، تنها نقش سخنران میهمان را خواهد داشت و اوباما در حالی پا به میدان رقابت با جان مک کین کهنه کار می گذارد که در نتیجه رقابت طاقت فرسای کنونی، سخت آسیب دیده است.

در اولین شب انتخابات مقدماتی در آیووا، هنگامی که اوباما به پیروزی رسید، بسیاری از تحلیلگران و نویسندگان مطبوعاتی نوشتند که اوباما امید اندکی برای راه یابی به کاخ سفید دارد.

پس از پیروزی هیلاری کلیتون در انتخابات مقدماتی ریاست جمهوری آمریکا در ایالت پنسیلوانیا، باراک اوباما عرصه را برای خود تنگ تر یافته است. وی این بار نه به طرح جدیدی پرداخته و نه لحن تندتری در برابر هیلاری به کار برده است. او برای جلب نظر رای دهندگان، همسرش "میشل" را به کارزار فرستاده تا در برابر امتیاز زن بودن هیلاری، وی نیز ترفندی زنانه به کار برده باشد.

در آستانه انتخابات مقدماتی در ایالت ایندیانا، اوباما در سخنرانی برای رای دهندگان اهل آنآپولیس که به طور عمده از طبقه کارگر هستند، از خود و همسرش سخن گفت و اظهار داشت که او و همسرش در شرایط به نسبت نامساعدی رشد کرده اند. او گفت: "من نزد پدر بزرگ و مادر بزرگ و مادری مجرد بزرگ شدم. پدر میشل هم یک کارگر بود و مادرش یک منشی. هیچ یک از والدینش به دانشگاه نرفته بودند. ما به زندگی بسیاری از آمریکاییها نزدیک هستیم."

هدف اوباما جلب آرای سفیدپوستانی است که اغلب زن هستند و پس از پیروزی کلیتون در ایالت پنسیلوانیا به او گرایش پیدا کرده اند. به همین دلیل اوبامای سیاهپوست، همسرش را وسیله مبارزات انتخاباتی اش قرار داده تا شاید زنان رای دهند را به اردوگاه خود بکشاند. او پیشتر گفته بود که یک مشکل اصلی اش جلب نظر رای دهندگان در "شهرهای کوچک" است که این اظهارات واکنشهای منفی بسیاری را برانگیخت و خشم طبقه کارگر را در پی داشت. تاکتیک تبلیغاتی اخیر باراک اوباما با هدف ایجاد یک

## نابرابری نژادی، یک محور

## انتخابات آمریکا

بقیه از صفحه ۱۴

رنج و درد سیاهان سخن گفته و در سخنانش به مسایل مهم سیاسی، اجتماعی می پردازد. مخالفان اواما توانستند با دست یافتن به چند نمونه از سخنان تند و به نظر برخی توهین آمیز رایت، موجی از خشم، عدم اطمینان و تردید در مورد اواما به وجود آورند. چند نمونه از سخنان "رایت" که به طور وسیع در اینترنت و سپس در وسایل ارتباط جمعی پخش شد، به نظر می رسد احساسات ضد آمریکایی را تبلیغ می کند.

از جمله سخنان معروف "رایت" بعد از ۱۱ سپتامبر است که می گوید: "ما هیروشیما را بمباران کردیم، ناکازاکی را بمباران کردیم، ما تعداد بسیار زیادی از آنهایی را که در نیویورک کشته شدند، بمباران کردیم. ما از تروریسم دولتی علیه فلسطینیها و سیاهان آفریقای جنوبی پشتیبانی کردیم و حالا بر آشفته ایم زیرا آنچه که در خارج از اینجا انجام دادیم، به در خانه مان آمده است."

در سال ۲۰۰۳، "رایت" در مورد ستم بر سیاهان گفت: "دولت به آنها (سیاهان) مواد مخدر می دهد، زندانهای بزرگتر می سازد و آنوقت می خواهد ما بخوانیم خداوند به آمریکا برکت بدهد، نه، نه! خداوند آمریکا را لعنت کند. این چیزی است که در انجیل آمده برای کشتن انسانهای بیگناه."

وی همچنین در مورد "اواما" در دسامبر گفت: "براک می داند معنی سیاه بودن چیست. او می داند زندگی در یک کشور و فرهنگی که توسط سفید پوستان ثروتمند کنترل می شود یعنی چه. "هیلاری" هرگز این را نمی داند. "هیلاری" هرگز یک "کاکا سیاه" (نیگر) نامیده نشده است."

جنگالی که با پخش گزیده ای از سخنان "رایت" به وجود آمد، باوجودی که وی هم اکنون بازنشسته است، اواما را مجبور کرد با قاطعیت اعلام کند که با این نوع سخنان و نظرات تند و غیرمنطقی "رایت" مخالف است. با ادامه جنجال و انتقاد که چرا اواما سالها پیش این کلیسا را ترک نکرد، بالاخره "اواما" سخنرانی مفصلی آرایه داد. سخنرانی اواما تحت عنوان "یک وحدت کامل" در فیلادلفیا، نزدیک به تالار استقلال برگزار شد. در این سخنرانی، اواما به جای این که از خود به مناسبت دوستی و نزدیکی با کشیش "رایت" دفاع کند، موضوع اصلی صحبتش را در زمینه نژاد و نژاد پرستی در آمریکا انتخاب کرد. اواما در مورد کلیسایی که به آن تعلق دارد گفت: "این کلیسا مهربانی و بی رحمی، شعور

بسیار و نادانی تکان دهنده، مبارزات و موفقیتها، عشق و تلخی و تعصبات که در مجموع تجربه‌ی سیاه بودن در آمریکا است را در خود دارد. این شاید بتواند رابطه‌ی مرا با کشیش "رایت" توضیح دهد. با همه نواقصی که او دارد، مانند یکی از افراد خانواده من بوده است. او ایمان مرا محکم تر کرد. من نمی توانم کشیش "رایت" را طرد کنم، همانطور که نمی توانم جامعه سیاهپوست را رها کنم. نه می توانم کشیش "رایت" را از خود برانم و نه مادر سفید پوست خود را، زنی که مرا بزرگ کرد، بارها از خود گذشتگی نشان داد، زنی که مرا بیش از هر چیزی در این دنیا دوست داشت ولی با این وجود یک بار اعتراف کرد که از مردان سیاهی که از کنارش می گذرند می ترسد. بیش از یک بار نظرات نژادپرستانه‌ی او احساس حقارت در من به وجود آورد. این افراد، بخشی از من هستند و آنها بخشی از آمریکا، کشوری که من به آن عشق می ورزم."

"اواما" در مورد جنگالی که بوجود آمده گفت: "ما می توانیم سخنان کشیش "رایت" را در تمام کانالهای تلویزیونی هر روز تکرار کنیم و از حالا تا زمان انتخابات در مورد آن صحبت کنیم و آن را تنها سوال در این مبارزه‌ی انتخاباتی قرار دهیم که آیا مردم آمریکا فکر می کنند من از سخنان توهین آمیز "رایت" پشتیبانی می کنم یا نه. می توانیم گمان ببریم که در انتخابات عمومی همه مردان سفید پوست به سوی "جان مک کین" خواهند رفت، صرف نظر از این که چه سیاست و برنامه‌هایی داشته باشد. ما می توانیم چنین کنیم، ولی اگر این کار را ادامه دهیم من به شما می گویم که در انتخابات بعدی ما همچنان در مورد مسایل انحرافی صحبت خواهیم کرد و هیچ چیز تغییری نخواهد کرد. این یک انتخاب است. یا در این لحظه، در این انتخابات ما می توانیم گرد هم آییم و بگوییم "این بار نه". آمریکا می تواند تغییر کند. این اصالت واقعی این ملت است. آنچه که تا کنون به آن دست یافته ایم به ما اجازه می دهد و امید بی باکانه برای آنچه که می توانیم و باید در آینده به دست آوریم."

سخنان "اواما" در مورد نژاد و نژادپرستی در آمریکا با استقبال بسیاری روبرو شد. روشنفکران، استادان دانشگاه و مفسرانی که کمتر در رسانه‌های گروهی آزادانه در این مورد صحبت و بحث می کردند، فرصت یافتند تا این مساله بسیار مهم و پیچیده را با شفافیت بیشتری مطرح کنند. "الیس کاس" یکی از مفسران سیاهپوست در مقاله‌ای در "نیوزویک" به خشم سیاهان و زخمهایی که هنوز از زمان بردگی وجود دارد، اشاره می کند و بردگی را گناه بزرگ آمریکا می

نامد. "الیس کاس" نوشت: "اواما بسیار کوشید روی موضوعاتی مانند بیمه بهداشتی، اقتصاد و خروج از عراق تکیه کند ولی رنگ پوست او بالاخره بر موضوعات دیگر غلبه کرد. جالب است که در آمریکا اواما همواره به عنوان یک مرد سیاهپوست که مادرش سفید است تعریف شده، نه به عنوان یک مرد سفید با پدر سیاهپوست.

اواما در سخنان خود اشاره به خشم سیاهپوستان کرد؛ شرایطی که "رایت" می گوید هر روز با آن سر و کار دارد. این درست همان چیزی است که بیشتر سیاهانی که من می شناسم، باور دارند. ولی بر عکس "رایت"، سیاهان دیگر به نظر عصبانی نمی آیند زیرا با خشم، ما سیاهان نخواهیم توانست چه از نظر احساسی، چه شرایط دیگر، به زندگی ادامه دهیم. چیزی که برای ما شفافیت کامل دارد به نظر سفید پوستان زنده و نامعقول می آید. عجیب این است که ما در جامعه و فرهنگی زندگی می کنیم که افراد دست راستی مانند "راش لیمبا" و "دان ایموس" پولهایی هنگفتی می گیرند که در برنامه‌های رادیویی خود خشمگین باشند. ولی البته خشم سفید به طور کلی به نظر قابل قبول می آید و آمریکاییها تقریباً ظرفیت بی‌نهایتی برای بخشش این خشم دارند. این شخصیت‌های دست راستی بارها نظرات نژادپرستانه ابراز کرده و به سیاهان حتی به "اواما" توهین کرده اند ولی سر و صدای زیادی نشده و خشم سفید پوستان در لباس روشنفکری توجیه شده است. در حالی که به خشم سیاهان هرگز رنگ روشنفکری داده نمی شود و به این ترتیب در مجامع عمومی جایی برای ابراز آن نیست. مهم است که بدانیم حتی "مارتین لوتر کینگ" که طرفدار صلح و مبارزات صلح آمیز بود، بیشتر اوقات خشمگین بود."

در تاریخ سیاسی آمریکا چندین سخنرانی بسیار مهم وجود دارد که مسیر این جامعه را تغییر داده است. مانند "مارتین لوتر کینگ" که در سخنرانی هیجان‌انگیز و ابدی خود بنام "من رویای دارم"، رویای حقوق مساوی سیاهان را به واقعیت تبدیل کرد.

"تیم راتن"، یکی از نویسندگان معاصر در مقاله‌ای در "لوس آنجلس تایمز" سخنرانی اخیر "اواما" را با سخنرانی "ابراهام لینکن" مقایسه می کند و می نویسد: "۱۵۰ سال پیش در ماه ژوئیه، یک وکیل باریک اندام از "ایلینوی" که به تازگی وارد سیاست شده بود، سخنانی ایراد کرد که نمونه‌گفتمان در مورد مسایل نژادی را در آمریکای آن روز تغییر داد. این وکیل "ابراهام لینکن" بود که با سخنرانش تحت عنوان "خانه‌ی شکاف برداشته" نامزدی حزب جمهوریخواه را برای

سنای آمریکا پذیرفت. اگرچه او در انتخابات برنده نشد، ولی این سخنرانی بحث در مورد بردگی را تغییر داد و دو سال بعد "لینکن" به کاخ سفید رفت. "جان کندی" در سال ۱۹۶۰ در مورد کاتولیک بودن خود یک سخنرانی آرایه داد که موضوع مذهب و سیاست را برای همیشه در این کشور تغییر داد. سخنرانی سناتور "اواما"، یک وکیل باریک اندام از "ایلینوی"، نمونه دیگری از چنان خطابه‌هایی بود که ماندنی است. همچون "کندی" در سال ۱۹۶۰ که می بایست موضوع کاتولیک بودن خود را به گونه‌ای مطرح کند، "اواما" نیز می بایست به سوال نژادی در این مبارزات انتخاباتی بپردازد.

نکته مهم و اساسی در مورد سخنان او این بود که از آمریکاییهای سیاه و سفید خواست که کمبودهای یکدیگر را به ویژه در مورد نظراتشان در مسایل نژادی بپذیرند. "اواما" گفت: "در چنین پذیرشی نهال یک وحدت کامل عیوب ویژه اش به جلو خواهد رفت."

اواما در ابتدای سخنرانی خود به قانون اساسی آمریکا اشاره کرد که اگر چه مانند ایده‌ی "گناه بزرگ"، موضوع بردگی در این قانون وجود دارد ولی همزمان بر اساس همین قانون، وعده‌ی آزادی، عدالت و وحدتی که می تواند و باید طی زمان کامل تر شود به ملت داده شده است. ریشه مذهبی "گناه بزرگ" که موجب سقوط آدم و رانده شدنش از بهشت گردید، نشان دهنده‌ی طبیعت غیر کامل بشر است. اواما با استفاده از این نظریه، به خود و میراث نژادی و فرهنگی مخلوط اش اشاره کرد. فرزند یک مرد سیاهپوست مهاجر از آفریقا با مادر سفید پوست که توسط مادر بزرگ سفید پوستش بزرگ شد. اواما این پیام را می دهد که به جهت موقعیت ویژه اش هم سیاهان و هم سفید پوستان را می فهمد. نظر او این است که خشم سیاهان موجب نگرانی سفید پوستان و بیزاری آنها است که در نتیجه مایه‌ی رنج سیاهان می شود.

سخنان اواما به نظر بسیاری برای نخستین بار موضوعی را که در خفا باعث تنش در این جامعه بود، به عنوان دیدگاه یک کاندیدای ریاست جمهوری آشکارا باز کرد. اختلاف بین سیاه و سفید و ظلم تاریخی سفید پوستان علیه سیاه پوستان از مسایل عمده‌ای است که هنوز در این جامعه حل نشده و زخم عمیقی است که باید به نحوی التیام یابد.

نامزدی اواما بار دیگر این فرصت را به وجود آورده است که آمریکا به ارزیابی گذشته جامعه خود و تبعیضات تاریخی علیه سیاهان بپردازد.

## زنان در مسیر رهایی

الف. آناهیتا

### کویت: مبارزه زنان علیه نابرابری

رویترو، ۱۵ می ۲۰۰۸  
زنان کویتی چه با پوشش اسلامی و چه پوشش غربی جهت ورود به مجلس در انتخابات آتی مبارزه سختی را شروع کردند. آنها در انتخابات سال ۲۰۰۶ شکست خوردند و اکنون مجدداً با مبارزه‌ای دشوار در جلب رای دهندگان در کشوری پیرو سنت قدیم و مردسالار روبرو هستند. رولا دشتی، یکی از بیست و هفت خانمی که در مقابل دوپست و چهل و شش مرد برای نمایندگی مجلس نامزد انتخابات شده است ابراز می‌کند که این یک مبارزه بسیار دشوار است. اما گرایشهای مثبتی هم وجود دارد... رای دهندگان می‌گویند: مردان سالها قدرت را در دست داشتند، چرا اینبار به زنان رای ندهیم؟ او که اقتصاد دان و تحصیلکرده غرب است در انتخابات سابق بیشترین رای را در میان نامزدهای انتخاباتی زن دریافت کرد.

مجلس ملی کویت که پنجاه عضو دارد در سال ۲۰۰۵ قانونی را به تصویب رساند که بر اساس آن زنان کویتی حق انتخاب و انتخاب شدن را از زمان تشکیل مجلس در سال ۱۹۶۲، دریافت کردند. بعد از تصویب این قانون دو زن به مقام وزارت رسیدند. اما هنوز هیچ زنی در کویت به مثابه کشوری که هنوز افراد زیادی بر این باورند که جایگاه زن در خانه است، موفق به ورود به مجلس نشده است. سال گذشته یکی از این دو وزیر زن، وزیر بهداشت به دلیل فشار نمایندگان در جریان آتش سوزی یک بیمارستان استفا داد. اما وزیر آموزش در ماه ژانویه امسال رای اعتماد را از مجلس کسب کرد. وی به عنوان یک وزیر زن از سوی نمایندگان مذهبی به دلیل عدم پوشاندن موهایش در زمان مراسم قسم خوردن مورد اعتراض شدید قرار گرفت.

زنان در کویت تقریباً پنجاه و پنج درصد رای دهندگان قانونی را تشکیل می‌دهند. زیرا قانون مانع رای افرادی که در ارتش خدمت می‌کنند می‌شود و این مساله به نفع زنان است. یک فعال شیعه حقوق زنان که از نامزدهای زن لیبرال حمایت می‌کند می‌گوید که ورود زنان به مجلس مساله‌ای ضروریست. بسیاری از زنان به دلیل جامعه مردسالار توسط پدران و همسران خود در رابطه با انتخابات راهنمایی می‌شوند. از دیگر سو زنانی که کاندید شده‌اند با مقابله اتحاد مسلمانان و قبیله‌ها روبرو هستند. وزیر نفت در مصاحبه‌ای با رویتر عنوان کرد که شانس زنان اینبار بیشتر از قبل است، اما شک دارم که آنان بتوانند وارد مجلس بشوند. با توجه به اتحاد فرقه‌های مذهبی و طوایفی که مالیند یک مرد آنان را در مجلس نمایندگی کند مساله برای زنان مشکلتر می‌شود.

برخی پیشنهاد داده‌اند که یک سهم برای زنان در مجلس در نظر گرفته شود، این مساله در بیشتر کشورهای عربی وجود دارد. اما زنان با این به اصطلاح تبعیض مثبت شدیداً مخالفت کرده و ابراز داشتند که ترجیح می‌دهند بر اساس شایستگی و صلاحیت در انتخابات پیروز شوند تا اینکه سهمی برای آنان در نظر گرفته شود، حتی اگر این مساله سالها به طول انجامد. قابل توجه است که بر اساس گزارش اسوشیتدپرس در این انتخابات هم هیچ زنی قادر نشد مقام نمایندگی مجلس را کسب کند.

### عراق: رشد فزاینده میزان زنان بیوه در کشور نگران کننده است

یو اس ای تو دی، نه می ۲۰۰۸  
خشونت در عراق روزانه زنان بیوه بیشتری را خلق می‌کند و بسیاری از نمایندگان مجلس و مدافعان حقوق زنان در رابطه با پیدایش یک طبقه فقیر متشکل از مادران تنها که توان آموزش و پرورش نسل بعدی عراق را ندارند، اخطار داده‌اند. آنها می‌گویند وضعیت بعد از حمله به این کشور و تعیین قانون اساسی جدید بسیار بدتر شده است. اصل چهل و یک قانون اساسی بعد از اشغال این کشور به قبیله‌ها و فرقه‌های مختلف اجازه می‌دهد که بر اساس اصول خود در مورد مسایل خصوصاً مثل ازدواج، طلاق، ارث و حضانت کودک تصمیم بگیرند. نماینده سکولار مجلس می‌گوید اصل چهل و یک قانون اساسی دستورالعملی برای فاجعه است. اگر مجلس این قانون را تکمیل کند، تسلیم شدن به قانون شریعت به معنای از بین رفتن قانون سال ۱۹۵۹ است که به زنان عراقی آنچنان حقوقی داد که نمونه‌اش در هیچ کشور عربی دیگر وجود نداشت. ناتان برون، مدیر موسسه تحقیقات خاورمیانه در دانشگاه جرج واشنگتن می‌گوید که مجلس هنوز اصل چهل و یک قانون اساسی را به اجرا در نیاورده است. اما دادگاههای مدنی عراق در عمل قوانین فرقه‌ها را در حل و فصل مسایل شخصی در نظر می‌گیرند.

دست کم هفتاد هزار زن عراقی در خونریزی‌های پس از اشغال کشور از سال ۲۰۰۳ بیوه شده‌اند. هشتاد درصد از یک و سه میلیون بیوه همسران خود را در کشمشها شامل جنگ ایران و عراق در سال ۱۹۸۰ و جنگ خلیج در سال ۱۹۹۱ و رشد جنگ و ستیزهای فرقه‌ای از دست داده‌اند. یک بخش از فقیرترین، تقریباً هشتاد و شش هزار نفر بین سی و پنج تا صد دلار در ماه از دولت دریافت می‌کنند. بسیاری از این افراد بیش از این به حمایت احتیاج دارند؛ زیرا کارفرمایان زنان را استخدام نمی‌کنند. از سال ۲۰۰۶ موسسه‌هایی برای آموزش زنان در کارادا تشکیل شد که به آنان دوختن، پرستاری، کامپیوتر و مدیریت تجاری می‌آموزد. بسیاری از این طریق به کار گمارده شده‌اند. فارهانا علی، مشاور سابق آمریکا در رابطه با تروریسم عنوان می‌کند که عراق کشور زنان بیوه است. زمانی که زنان به تنهای مسوولیت خانواده‌ها را به

دوش می‌گیرند به راحتی نیز تحت استثمار می‌شوند. بسیاری مجبور به گدایی و یا تن فروشی می‌شوند. افراط‌گرایان بسیاری از این زنان را مورد آزار و اذیت و یا به قتل می‌رسانند طوری که هفته گذشته سه تن فروش در ماسول به قتل رسیدند اما بیوه‌های عراقی راه دیگری فراسوی خود ندارند. زمانی که پسر پانزده ساله حوریه عمار هشت ماه پیش روده شد، او مجبور گردید با دوختن ملافه در مرکز بیوگان از سه دختر دانشجوی خود حمایت کند.

### آمریکا: اضطراب اقتصادی زنان را بیشتر تحت تاثیر خود قرار می‌دهد

رویترو، ۹ می ۲۰۰۸  
رکود اقتصادی در آمریکا باعث نگرانیهای مالی نامحدودی شده است. اما زنان بیشتر نگران پرداخت صورتحسابها، از دست دادن شغل، از پس مخارج کودکان برآمدن و پس انداز کردن برای بازنشستگی هستند. تحقیقات نشان می‌دهد که اقتصاد آمریکا در مدت شش ماه همراه با انقباض بازار کار، بالا رفتن قیمت انرژی و فرسایش ماریپیچی اطمینان مصرف‌کننده، رکود داشته است. بر اساس تحقیقات بنیاد راک فیلر و تحقیقات موسسه اسناد زنان، زنان بیشتر از مردان نگرانیهای مالی دارند. این تحقیقات نشان می‌دهد که از هر ده زن سه زن در مقایسه با دو مرد از هر ده مرد نگران وضعیت اقتصادی هستند. دو سوم از زنان در هراسند که به اندازه کافی برای بازنشستگی پس انداز نمی‌کنند، اما فقط نیمی از مردان چنین نگرانی دارند. کار، موقعیت زناشویی و یا تحصیلات هیچ حفاظتی در برابر اضطرابهای اقتصادی برای زنان در مقایسه با مردان نمی‌آفریند که البته این مساله بیشتر در میان زنان رنگین پوست رواج دارد. چهل و هشت درصد آفریقایی - آمریکایی و چهل و دو درصد زنان نژاد اسپانیایی و تنها بیست و شش درصد از زنان سفید پوست نگرانیهای مالی دارند. خصوصاً مادران تنها میزان بالایی از زنان نگران وضعیت مالی را به خود اختصاص می‌دهند. آنها دوبرابر گرفتاری دارند. یکی درآمد پایین آنهاست و دیگری اینکه به عنوان تنها والدین فرزند مسلماً اضطرابهای بیشتری خواهند داشت. پنجاه درصد مادران تنها نسبت به پدران به دلیل وضعیت بد اقتصادی قادر به تهیه نیازهای کودکان خود نبوده‌اند. علاوه بر این آنها بیشتر از پدران تنها و یا خانواده‌های بدون فرزند در خطر از دست دادن شغل هستند. بر پایه این تحقیقات حتی زنان متعلق به خانواده‌های مرفه نگران دوران سالمندی خود به دلیل کاهش مزایای بازنشستگی هستند. درآمد زنان زمانی که کار می‌کنند کمتر از مردان است و از سوی دیگر به دلیل نقش نگهداری از فرزندان زمان بیشتری را خارج از نیروی کار در مقایسه با مردان سپری می‌کنند که این مساله در نهایت حقوق بازنشستگی آنان را کاهش می‌دهد. از آنجا که زنان در

مقایسه با مردان بیشتر برای رای دادن در انتخابات شرکت می‌کنند عنوان پیشنهادات از سوی نامزدهای انتخاباتی جهت اصلاح وضعیت اقتصادی و رفع نگرانیهای آنان بسیار حیاتی عنوان شده است.

### آسیا: بحران مواد غذایی در آسیا بیشتر زنان را تحت تاثیر قرار می‌دهد

وان ورلد، ۷ می ۲۰۰۸  
فعلان و مدافعان حقوق زنان از سراسر منطقه اعلان می‌دارند که علاوه بر پاره‌های سنگینی که بر دوش زنان آسیایی است، آنها می‌بایست سنگینی بار بهای بالای مواد غذایی را نیز به دوش بگیرند. کمیته برای رفتن قاره آسیا که به عنوان یک تشکل غیر دولتی جهت افزایش دستمزد زنان کارگر در بخشهای رسمی و غیر رسمی فعالیت می‌کند در بخشی از بیانیه‌ای که صادر کرده عنوان می‌کند که زنان کارگر نسبتاً به توجه به بالا رفتن قیمت برنج، نفت، مواد سوختی و دیگر اجناس اساسی بیش از همه مورد ضربه قرار گرفته‌اند. زنانی که مواد غذایی، پناهگاهها و پوشاک جامعه را تولید می‌کنند خود در فقر بسر می‌برند. مبارزه برای بالا بردن دستمزد کارگران زن در سال ۲۰۰۸ از سوی تشکلهای زنان چهارده کشور آسیایی از جمله بنگلادش، کامبوجیا، اندونزی، نپال، سری لانکا و تایلند پشتیبانی می‌شود. بر اساس بیانیه صادر شده زنان همچنین به دلیل بحران مواد غذایی مجبور به جستجو برای کار دوم در بخشهای غیررسمی شده‌اند که در اینصورت معمولاً از طرف کارفرما مجبور به کار در ساعت‌های طولانی می‌گردند. بسیاری مجبور به خیاطی و یا بسته بندی در خانه‌های خود می‌شوند، برخی از آنها دارای سه شغل هستند.

یکی از دلایل این امر دستمزد بسیار پایین زنان کارگر می‌باشد. بسیاری از کشورهای آسیایی یک حداقل دستمزد پایه‌ای ندارند و حتی در کشورهایی که حداقل دستمزد وجود دارد این دستمزد با رشد تورم بالا نمی‌رود. بر اساس گزارش سازمان جهانی کار، زنان سی و هشت و هفت دهم درصد برابر با ۷۳۰ میلیون از کل نیروی کار کشورهای کنار اقیانوس آرام را که در حال حاضر یک و نه دهم میلیون نفر هستند را تشکیل می‌دهند. اما نزدیک به شصت و پنج درصد از زنان کارگر از یک درآمد و مزایای کافی جهت رفیع نیازهای اولیه خود برخوردار نیستند. کارگران زنی که در بخشهای غیررسمی، در خانه‌ها مواد اولیه برای فروش تهیه می‌کنند و یا میلیونها زنی که در شهرهای بزرگ و کوچک به دستفروشی مشغول هستند مورد استثمار شدیدند.

زنان آسیایی جنوبی هشتاد و دو درصد، و بیشترین استثمار شدگان در قاره آسیا به شمار می‌روند. زنان دستفروش و آنان که در بخشهای پوشاک مشغول بکار هستند به دلیل عدم دارا بودن از بقیه در صفحه ۱۹



## رویدادهای هنری ماه

لیلا جدیدی

### سخن روز:

- برای درک قلب و مغز یک انسان به دستاوردهای گذشته او نباید توجه کرد بلکه باید دید اکنون چه اهدافی را دنبال می کند. (خلیل جبران ۱۸۸۳-۱۹۳۱) - هنرمند و شاعر لبنانی  
- دست به کارهای غیرممکن بزن تا بتوانی کیفیت کاری را که می کنی بالا ببری  
(بت دیویس (۱۹۰۸-۱۹۸۹) - هنرپیشه آمریکایی)

### کتاب

#### تقدیر از بهرام بیضایی

"شهر کتاب گلچین"، برگزار کننده مراسم جایزه "روزی روزگاری"، به معرفی برگزیدگان و تجلیل از جمال میرصادقی و بهرام بیضایی، اقدام کرد. جان بارت، نویسنده "اپرای شناور" نیز به این مراسم پیام داد. او از پیروی نکردن ایران از قانون کپی رایت ابراز تاسف کرد و گفت: "تاسف خودم را از انتشار هرگونه اثر بدون اجازه مؤلف ابراز می دارم و مصرانه خواستارم تا دولت ایران نیز با امضای معاهده جهانی سازمان حقوق نویسندگان، با دیگر کشورها همراه شود."  
او از ناشران ایرانی خواست پیش از نشر هر اثر مشمول کپی رایت، از صاحب اثر اجازه بگیرند.  
جمال میرصادقی، داستان نویس نیز به خاطر داستانهایش و بویژه برگزاری کلاسهای داستان نویسی مورد تجلیل قرار گرفت.

بخش دیگر دومین جایزه "روزی روزگاری" به تجلیل از بهرام بیضایی اختصاص داشت. این کارگردان تئاتر و نمایش نامه نویس در سخنانی گفت: "سالها پیش نمایشنامه نویسی به عنوان هنر و ادبیات به حساب نمی آمد و پذیرفته نمی شد اما امروز بخشی از ادبیات شده است."

هنگام سخنرانی بیضایی برق سالن قطع شد و ادامه مراسم در خاموشی برگزار شد، که این هنرمند تئاتر گفت: "در طول سالها سهم تئاتر همیشه تاریکی بوده است؛ حالا هم نمی توان انتظار سهم بیش تری را داشت."  
محمد رحمانیان، دیگر تئاتری حاضر در برنامه، متنی را خواند که در آن آمده بود: "آقای بیضایی عزیز، تقدیر از شما دلیل نمی خواهد؛ مثل تقدیر از خورشید و ماه، یا تقدیر از جنگل و دریا. درختان نیازی به تقدیر ندارند. همین که به جرم راستقامتی تبر بر تن شان نشینند، بزرگترین تقدیر است. به سرو چه هدیه ای می توان داد که آزادی اش را مروهون تهیدستی اش می داند؟"

#### هدیه کتاب دولت شیلی به خانواده های کم در آمد

به دستور رییس جمهور شیلی، میشل باچلت، دولت این کشور با خرید یک میلیون و ۲۶۶ هزار جلد کتاب، بسته های رایگان کتاب را به خانواده های کم درآمد می کند. هدف دولت این کشور علاوه بر کمک مالی به اقشار کم درآمد، ترویج کتابخوانی در میان خانواده های طبقات فرودست است.  
این عمل دولت با استقبال خوب خانواده ها روبرو شده است، به طوری که آنان معتقدند از زمان دریافت این بسته ها - که کتابهای گران قیمت و ارزشمندی در بین آنهاست - کودکان و حتی خود والدین بیشتر به کتاب خواندن روی آورده اند.

#### نشر کتابهای "جلد سفید"

نشر زیر زمینی از فرآورده های حکومتی سلطه جویی است که آزادی قلم و بیان را به دلایل سیاسی یا ایدئولوژیک از مردم سلب می کنند. نشر زیرزمینی که در ایران به "جلد سفید" معروف است، امروزه کسب و کاری پررونق در بازار چاپ و نشر در تهران دارد. ناشران "جلدسفید" تهرانی سروکاری با نویسنده یا مولف اثر ندارند. آنان تولیدکنندگان کالایی

هستند که سودسرشاری نصیبشان می کند. چرخه تولید به این شکل است که مسافران خارج کشور که سفارش خرید یک نسخه از کتابهای منتشر شده خارج کشور را از ناشران دارند، کتاب را فراهم کرده و در تهران به دست ناشر می سپارند. کتاب در چاپخانه ها در تیراژی گاه تا ده ها هزار نسخه به سراسر شهرستانها ارسال می شود.

کتابهای "جلد سفید" در رقمهای سرسام آور صد و هفتاد هزار نسخه ای در شهرستانها توزیع می شوند. گفته می شود نسخه بدون سانسور "بوف کور"، اثر صادق هدایت، تا یک صد و پنجاه هزار نسخه به صورت غیرقانونی فروش رفته است، اما چاپ کتاب تنها محدود به این آثار نیست. مقالات یا پژوهشهای سیاسی و اجتماعی در باره اسلام و تاریخ آن محبوب مردم ناخشنود از حاکمانی ست که به نام اسلام و حکومت اسلامی تسمه از گردن ملت کشیده اند. چنین پیداست که مردم با خواندن این آثار در پی نادیده گرفتن قرائت دولتی از اسلام و مقابله با تلقینات ایدئولوژیک رسمی حکومتی هستند.

رواج کتابهای غیرقانونی همراه با تکثیر فیلمها و موسیقی غیر رسمی و انتشار تازه ترین نسخه فیلمها و موسیقیهای جهان در ایران، نمادی از دوگانگی متضاد میان فرهنگ دولتیان با فرهنگ مردمی ست که خسته از تفسیر و امر و نهی دولتی و رسمی هستند.

#### حذف "تنگسیر" و "فوائد گیاه خواری" از نمایشگاه کتاب

در پنجمین روز از برگزاری نمایشگاه بین المللی کتاب تهران، دو کتاب دیگر از صادق هدایت و سه کتاب دیگر از صادق چوبک جمع آوری شد.  
"فوائد گیاه خواری" و "نوشته های پراکنده"، عنوان دو کتاب هدایت و "تنگسیر"، "مهواره" و "روز اول قبر"، عنوان سه کتاب چوبک از غرفه "نشر جامه دران" در نمایشگاه جمع آوری شد.  
همچنین کتاب "زن عجم خوبه یا تی ان تی"، نوشته فرخنده حاجی زاده از همین انتشارات جمع آوری شد.

#### باز هم حذف کتاب

"داستانهای اولونا" اثر ایزابل آلتده با ترجمه علی آذرنگ و "شیطان و دوشیزه پریم" نوشته ی پائولو کوئلیو با ترجمه آرش حجازی (انتشارات کاروان)، "سه قطره خون"، "سگ ولگرد" و "زنده به گور"، آثار صادق هدایت (نشر روزگار) و "انحرافات اخلاقی سیاستمداران جهان"، نوشته "کری سیگریو" با ترجمه سیدحسین گوهری راد (انتشارات توسن دانش)، در روزهای اخیر از نمایشگاه کتاب جمع آوری شده اند.

#### به یاد فریدون آدمیت (۱۳۸۷-۱۲۹۹)



فریدون آدمیت پس از گذران چند هفته ای بر بستر بیماری در یکی از بیمارستانهای تهران، در ساعات نخستین بامداد روز دهم فروردین امسال درگذشت. نوشته زیر بخشهایی است از نامه ای که یاران و حامیان او برای گرامیداشت او نوشته و طی آن به معرفی این تاریخ نویس علمی پرداخته اند:

"پژوهش تاریخی آدمیت در پیوندگاه تاریخ سیاسی و فلسفه سیاسی شکل می گیرد. تفکر تاریخی عنصر اصلی تاریخ نویسی جدید است... آنچه به تاریخ روح و معنا می دهد، دست یافتن به گذشته زنده و شناخت جریان تاریخ است." پژوهش تاریخی آدمیت،

به مثابه دستاورد "تاریخ نویسی جدید"، از مظاهر پدیده آزاد اندیشی و انتقاد عقلانی است.

آدمیت درباره زمینه اصلی پژوهشهای خود می نویسد، "تحقیق من در تاریخ افکار اجتماعی و سیاسی جدید در ایران است" که از قرن گذشته آغاز می شود و با ایدئولوژی مشروطیت تمام می شود. این تحقیق "چند جهت مشخص دارد: بررسی اندیشه های متفکران اجتماعی به طور اخص، شناخت شیوه تفکر کلی روشن اندیشان و نوآوران افکار، تحول فکر سیاسی درون نظام کهن و ریشه های فکری مشروطه خواهی." توجه آدمیت در این زمینه، از جمله به "عقاید متفکران و نویسندگان اجتماعی" بود که "ترجمان جریانهای فکری جدید بودند و به طرد ابهامات ذهنی و تاریک اندیشی برخاستند."

### فیلم

#### فیلم "گرسنگی" در باره ۶

##### هفته آخر زندگی بابی سندز

فیلم سینمایی "گرسنگی" به کارگردانی هنرمند انگلیسی، "استیو مک کوین"، که شش هفته آخر زندگی مبارز ارتش جمهوریخواه ایرلند را به تصویر می کشد و به عنوان افتتاحیه بخش "نوعی نگاه" شصت و یکمین جشنواره کن انتخاب شده، مورد اعتراض شماری از شخصیتهای سیاسی راستگرای بریتانیا قرار گرفت. سندز که یک زندانی سیاسی عضو ارتش جمهوریخواه ایرلند بود، سال ۱۹۸۱ در اعتراض به وضعیت ناپسامان زندانیان سیاسی دست به اعتصاب غذا زد و پس از ۶۶ روز در زندان درگذشت. او در گذر سالها به نمادی از جنبش استقلال ایرلند و مقاومت تبدیل شد.

"استیو مک کوین" که فیلم "گرسنگی" را اوایل سال ۲۰۰۳ با سرمایه گذاری شبکه چهارم انگلستان ساخته است، طی سخنانی در مورد این فیلم گفت: "زمانی که تصمیم به ساخت این پروژه گرفتیم، نه جنگ عراق آغاز شده بود و نه حرفی از گوانتانامو و ابوغریب بود، اما شباهتهای تاریخی اجتنابناپذیر است."

#### "شهر کوران" در فستیوال کن

شصت و یکمین جشنواره کن از ۱۴ تا ۲۵ مه (۲۵ اردیبهشت تا پنجم خرداد) برگزار می شود. ریاست هیات داوران بخش "نوعی نگاه" را "فاتح آکین"، فیلمساز آلمانی ترک تبار به عهده دارد. شصت و یکمین جشنواره فیلم کن، با نمایش فیلم "شهر کوران" اثر دیوید لینچ گشایش یافت. ریاست هیات

بقیه در صفحه ۱۸



## رویدادهای هنری

بقیه از صفحه ۱۷

داوران این دوره را "شان پن"، بازیگر و کارگردان، معترض آمریکایی، عهده دار است.

پلاکارد رسمی جشنواره امسال، زنی است که دهانش به سرخ آلبالو است اما باند سیاه ضخیمی را بر چشمان خود دارد که او را غیرقابل شناسایی می‌کند و همزمان مانع آن می‌شود که چیزی ببیند.

این پلاکارد، نمادی از ویژگیهای بزرگترین جشنواره فیلم جهان است. جشنواره‌ای که در هر دوره، محل نمایش، انتقادی‌ترین فیلمهای ساخته شده در یک سال نیز بوده است.

"شهر کوران"، روایت جاندار و تکان‌دهنده "فرناندو میرلس"، فیلم‌ساز موفق برزیلی از سرزمینی است که ویروس کوری به جان مردمانش افتاده است. "فرناندو میرلس" که پیش از این با فیلم "شهر خدا" به شهرت و اعتبار رسیده است، با اشاره به "شهر کوران" می‌گوید: "مدنیت در حال فروریختن است، ما همواره نشان می‌دهیم که متمدن هستیم. اما به محض آن که اتفاق بدی می‌افتد، به حیواناتی وحشی تبدیل می‌شویم."

"شهر کوران" براساس رمان به همین نام از "خوزه ساراماگو"، برنده پرتغالی جایزه ادبی نوبل ساخته شده است. جذابیت دیگر جشنواره امسال، حضور "شان پن"، بازیگر و کارگردان، مسوول آمریکایی در راس هیات داوران آن است. در تازه‌ترین فیلم "شان پن"، جوانی می‌خواهد از جامعه سرمایه‌داری آمریکا فرار کند و پاسخ را در طبیعت بکر آلاسکا می‌یابد.

## مذاکرات انجمن بازیگران و تهیه‌کنندگان آمریکا

به دنبال به نتیجه‌ماندن مذاکرات انعقاد قرارداد میان انجمن بازیگران آمریکا و انجمن تهیه‌کنندگان این کشور، احتمال آغاز سری جدید اعتصابات در هالیوود دوباره قوت گرفت.

به گزارش فرانسه پرسی، بزبست ایجاد شده در مذاکرات طرفین، خاطره اعتصاب انجمن نویسندگان هالیوود که ضرر چند میلیارد دلاری به همراه آورد را بار دیگر زنده کرد.

## "وقتی همه خوابیم"، فیلمی از بهرام بیضایی

فیلم "وقتی همه خوابیم" دهمین فیلم بلند بهرام بیضایی است که در هفتاد سالگی او ساخته می‌شود.

## بخشی از گزارش شبهای همبستگی با زندانیان سیاسی و دانشجویان در بند

برگزاری "شبهای همبستگی با زندانیان سیاسی و دانشجویان در بند" از سوی کانون نویسندگان ایران در تبعید، از ۲۵ تا ۲۷ آوریل ۲۰۰۸ در شهرهای استکهلم، گوتنبرگ و مالمو سوئد به انجام رسید و طی آن جمع بسیاری از مردم آزادی خواه در همبستگی با این مبارزات از این شبها استقبال کردند.

در فراخوان کانون در این رابطه آمده بود: "کانون نویسندگان ایران (در تبعید)، در راستای اهداف و سیاستهای خود، دفاع از آزادیهای بی حد و حصر قلم و بیان و پشتیبانی از حرکتهای آزادی خواهانه و حق طلبانه شهروندان ایران را از وظایف خویش می‌داند.

همکاری نویسندگان، شعرا و هنرمندان آزاده و مردمی در این مبارزات، استقبال مردم را نیز در پی داشت و از همین رو هیات دبیران کانون نویسندگان ایران (در تبعید)، از آنان بسیار سپاسگزار است. بیش از هزار تن از ایرانیان آزادی خواه، با شرکت در مراسم این شبها، همبستگی خود را با این مبارزات اعلام کردند...

کانون، برای ادامه چنین سیاست و مبارزاتی در برابر آزادی ستیزی جمهوری اسلامی، و دفاع از آزادی اندیشه و بیان هم چنان نیازمند همکاری هوخواهان آزادی و برابری ست و دست همه عزیزانی را که در این راستا به یاری ما می‌آیند می‌فشارد..."

ترانه خوانی ایرج جنتی عطایی و آوازه خوانی ابی، شیرین مهرید - شمیم با نوازندگی یارا و مسعود بخش از برنامه های این مراسم بود.

## فال حافظ

### از سایت هادی خرسندی

بر سر تربت ما آمده بی نی لبکش  
دیدم آثار خماری همه بر پوز و پکاش  
چرب از بودجه ی نفت لب و لوجه او  
لشگر بیضه بملان به فرونت و به بکاش  
گفتم این مفتخوران همره تو بسیارند  
گفت من تازه کم آوردم و کردم الکش  
گفت در باره ی شرم سخنانی اما  
حال ما خورد بهم از سخنان خنکش  
دیدم این است همان قاتل ابنای وطن  
که پس از اینهمه کشتن نگزیدست  
ککاش

خواستم تا ز لحد رقص کنان برخیزم  
بزمن قاتل ابنای وطن را کتکاش  
گفت در گوش سروشم که ولی تا به ابد  
دست تو پاک نگردهد چو زنی مشت و  
چکاش  
گفتم این فاجعه را چاره چه کردی حافظ؟  
گفت دادیم دوتا فحش و نمودیم دکاش

## موسیقی

### ابطال پروانه تولید آثار صوتی مازندران

رییس صنف هنرمندان موسیقی گیلان، با انتقاد شدید از عدم تمدید مجوز تولیدات صوتی این انجمن گفت: "ابطال پروانه تولید آثار صوتی، ضربه بزرگی بر بیکره موسیقی گیلان است." همایون سلیم، افزود: "متأسفانه در یک اقدام غیرمنتظره بخش موسیقی، وزارت ارشاد از تمدید پروانه فعالیت تولیدی آثار صوتی انجمن، صنف، هنرمندان، موسیقی، گیلان بدون هیچگونه استناد به قانون، خودداری کرد."

### ۱۷۵ مین سالروز تولد یوهانس برامس

روز هفتم ماه مه سال جاری، مصادف است با ۱۷۵مین سالروز تولد یوهانس برامس، آهنگسازی جهانی، که در بندر هامبورگ به دنیا آمد اما هنرش در بزرگشهر موسیقی، یعنی، وین، بالیدن گرفت. او را پیرو مکتب رمانتسیم می‌دانند. برامس، از همان آغاز کار، پیانو را با چیره‌دستی بی‌مانندی می‌نواخت و بهترین آثارش را هم برای این ساز ساخته است. از تشویق کنندگان و برانگیزانندگان او در کارهایش، "ادوارد رمینه"، ویلون‌نواز چیره‌دست مجار است. این هنرمند همان کسی بود که برامس را با موسیقی فولکلور مجارستان آشنا کرد. ثمره‌ی این آشنایی مشهورترین و محبوب‌ترین آثار برامس بود که او از سن ۲۵ سالگی به ساختن‌شان همت گماشت: رقصهای مجار. آهنگهای این قطعه‌های ۲۱گانه چنان سرشناس شدند که گرچه تنها از موسیقی بومی مجاری الهام گرفته شده بودند، بعدها به عنوان موسیقی فولکلور بارها و بارها در مجارستان اجرا شدند.

او هوادار موسیقی از گونه‌ی هدفمند بود به این معنی که آثارش همواره موضوع، حالت یا پدیده‌ای را در ذهن شنونده تداعی می‌کند.

## استبداد و فقر دو مانع توسعه و عامل تخریب کشور

### زنان در مسیر رهایی



جعفر پویه  
در حالی که اکثریت مردم ایران در زیر خط فقر زندگی می کنند، مقامات حکومتی با انتشار گزارشات متفاوت، آمارهای مخدوشی از آن را اعلام می کنند. در آخرین اظهار نظر، علی عسگری، معاون اقتصادی معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رییس جمهوری می گوید: "طبق شاخص اقتصادی اعلام شده، حدود ۲۰ درصد جمعیت کشور زیر خط فقر هستند." او همچنین این جمعیت را بین ۱۴ تا ۱۵ میلیون نفر اعلام می کند.

این در حالی است که مراد علی منصور، عضو کمیسیون اجتماعی مجلس می گوید: "در حال حاضر اکثر کارمندان دولت با حقوق ۲۰۰ هزار تومان زیر خط فقر قرار گرفته اند".  
پایوران رژیم جمهوری اسلامی به عمد خطوط تعریف شده را تحریف کرده و بر اساس درک غلط خود، آمارهای بی موردی را ارائه می کنند که با واقعیت جامعه فاصله بسیاری دارد. یکی دیگر از همین توجیه کنندگان، خط فقر را به "خط بقا" تقلیل می دهد و سبد مصرفی مردم را در حدی می داند که آنان فقط بتوانند زنده بمانند.

توزیع ناعادلانه درآمد، بحرانهای پولی و رشد نقدینگی، بیکاری و حقوق و دستمزد حداقل و ناکافی همه عواملی هستند که قدرت خرید مردم را کاهش می دهد و در عمل آنها را به صف فقرا می راند.

گرانی سرسام آور مواد غذایی به صورتی است که در یک هفته گذشته، قیمت هر کیلو برنج به پنج هزار تومان افزایش یافته و گران کردن نان توسط دولت تا جایی که هر قرص نان در فقیرترین محله های تهران به دو بیست تومان رسید، یک نشانه دیگر این تورم افسار گسیخته است.

از جانب دیگر، طبق اخبار منتشر شده، دولت احمدی نژاد که با وعده آوردن نفت بر سفره های مردم سر کار آمده، حقوق کارمندان و بازنشستگان را در سال گذشته درست پرداخت نکرده است و مجلس و دیگر نهادهای نظارتی نیز در برابر این بی عدالتی و کلاه برداری حکومتی سکوت کرده اند. زیرا دولت ملزم است بر اساس نرخ تورم و همپایه آن حقوق کارمندان و بازنشستگان را افزایش دهد اما دولت امنیتی نظامی دستمزد آنها را تنها ۵ درصد افزایش داده است در حالی که نرخ تورم رسمی ۱۳ درصد است.

طبق آمارهایی که توسط کارشناسان اعلام می شود، بیش از ۸۰ درصد مردم ایران زیر خط فقر قرار دارند. گماشتگان حکومت استبدادی و غارتگران ثروت ملی مردم تنها با اعلام آمارهای غلط به خلط مبحث می پردازند در حالی که اکثریت مردم ایران روزانه شاهد پایین آمدن قدرت خرید خود و خالی شدن سفره هایشان هستند.

توزیع عادلانه ثروت و سرمایه گذاری پایه ای برای کار آفرینی و برنامه ریزی درست برای توسعه کشور تنها با دولت ملی و مردمی و در جامعه ای آزاد و دموکراتیک امکان پذیر است. استبداد مذهبی حاکم و سرکوبگران گماشته آن مانع توسعه و عامل گرانی و خالی شدن سفره مردم ایران هستند. ۲۰ اردیبهشت

نبرد خلق  
ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران  
سردبیر: زینت میرهاشمی  
تحریریه: لیلا جدیدی  
منصور امان  
جعفر پویه  
چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

نبرد خلق ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و بیان کننده نظرات این سازمان است. اما بدیهی است که از چاپ مقالات و مطالب فعالین سازمان و جنبش مقاومت و صاحب نظران و نیز ترجمه مطالبی که حجم نشریه اجازه می دهد و اطلاع از آن مفید است، خودداری نمی کند. مطالبی که با امضای افراد در نبرد خلق چاپ می شود، بیان کننده نظرات خود آنان است که ممکن است با نظرات سازمان منطبق، همسو یا اختلاف داشته باشد. سرمقاله نبرد خلق (با نام و یا بدون نام) بیان کننده نظر سازمان است.

برای اشتراک نبرد خلق با آدرسهای نبرد خلق تماس بگیرید

بهای اشتراک سالانه  
فرانسه ۲۰ یورو  
اروپا معادل ۲۴ یورو  
آمریکا و کانادا ۳۶ یورو  
استرالیا ۴۰ یورو  
تک شماره ۱ یورو

اخبار و گزارشهای جنبش کارگران، مزدبگیران و کارکنان ایران، اخبار تحولات ایران، عراق و مسائل بین المللی مربوط به آن، اخبار و دیدگاههای جنبش زنان را هر روز در سایت ایران نبرد بخوانید.

آدرس سازمان در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار رویدادهای

روز ایران و جهان، تحلیل مسائل روز،

دیدگاهها

بخش شنیداری (رادیو پیشگام)

www.iri.ni.bi.rd.com

www.jongekhi.bi.r.com

www.rl.diopishgi.m.com

www.fl.di.il.n.org

### افغانستان: صدور حکم اعدام برای یک دانشجوی جوان به دلیل دفاع از حقوق زنان

ایندیندنت، ۱۹ می ۲۰۰۸

پرویز کامبخش که بیست و چهار سال دارد و دانشجوی رشته روزنامه نگاری از دانشگاه کابل می باشد به دلیل بحث و گفتگو پیرامون حقوق زنان و پیاده کردن مقالاتی پیرامون حقوق زنان از اینترنت و بخش آنان در ماه ژانویه دستگیر و به اعدام محکوم شد.

بر اساس این گزارش دادگاه وی فقط چندین دقیقه به طول انجامیده و به وی حتی حق گرفتن وکیل مدافع هم داده نشده است. اکنون پرویز کامبخش ابراز می دارد که تحت فشار و شکنجه مجبور به اقرار به اتهاماتی شده که از طرف برخی از استادان دانشگاه و بسیاری از دانشجویان علیه او عنوان شده است. آنها عنوان کرده اند که کامبخش با طرح پرسشهایی در رابطه با حقوق زنان در مذهب اسلام در کلاس درس اختلال ایجاد کرده است.

یکی از اتهامات وی پیاده کردن مقاله ای از اینترنت علیه دین اسلام در رابطه با مقام زن می باشد. وی می گوید که در هنگام بازجویی توسط سازمان جاسوسی بلخ مورد شکنجه قرار گرفته و آنها وی را مجبور کرده اند که اقرار کند که سه پاراگراف این مقاله را نوشته است. وی ادامه می دهد که افراط گرایان می خواهند افرادی را که جرات دفاع از حقوق زنان را به خود می دهند را به قتل برسانند. گفتنی است که کامبخش در دادگاه کوتاهی که علیه او برگزار شد مسئولیت دفاع از خود را بدون هیچ موفقیتی به عهده گرفت.

## «ما زن و مرد جنگیم، بجنگ تا بجنگیم»

## موگابه از رژیم چه می خواهد؟

## تقدّم "شیعیان لبنان" بر شهروندان تهران

## شهدای فدایی خرداد ماه

زینت میرهاشمی  
دانشجویان شجاع دانشگاه صنعتی سهند در همایش اعتراضی خود شعار می دادند: «ای عواملان سرکوب! از ظلمتان به خشمیم»، «ما زن و مرد جنگیم/ بجنگ تا بجنگیم»، «می ایستیم، می خوانیم/ تا پای جان می مانیم، گر تیر و فتنه بارد/ جنبش ادامه دارد»، ...

دانشجویان این دانشگاه از روز چهارشنبه ۴ اردیبهشت دست به تحصن زدند. این تحصن در اعتراض به تفکیک جنسیتی، توهین به دانشجویان دختر صورت گرفت. دانشجویان همچنین خواستار استعفای دست نشاندهگان ولی فقیه مانند زاهدی معاون فرهنگی و دانشجویی و حسینی رئیس حراست این دانشگاه شدند. این دانشجویان به برخوردهای نادرست و توهین آمیز نسبت به پوشش دختران از طرف بخش حراست دانشگاه اعتراض نمودند. در دومین روز تحصن، تعدادی از دانشجویان دست به اعتصاب غذا زدند. بر اساس گزارش پخش شده از طرف این دانشجویان، بر شمار اعتصاب غذا کنندگان هر لحظه افزوده می شود. دانشجویان دختر و پسر متحده در این همایش اعتراضی شرکت دارند.

بر اساس گزارش خبرنگار امیرکبیر در اولین شب تحصن، «جمعا ۵۰۰ دانشجو در طی روز و ۱۰۰ دانشجو در طی سب و در هوای سرد و زمین سخت به صبح رسانیدند. همچنین دانشجویان دختر بیانیه ای صادر نمودند که در آن آمده است: «دانشگاه طی یک هدف بلندمدت و زیربنایی قصد خط کشی بین دختران و پسران و در مقابل هم قرارداد آنها را داشته است و در این زمینه با ترفندهای متفاوت و استفاده از افراد مختلف، موفق عمل کرده است. آیا زمان آن نرسیده است که به بازی مسئولین پایان دهیم و با اتحاد، در یک جبهه قرار بگیریم و برای حقوق انسانی خود بجنگیم؟ این صدای اعتراض جمعی از دانشجویان است که خواهان احقاق حقوق خود هستند. بدانید که دانشجویان زنده است و شرافت و وجدان انسانی هنوز پا برجاست.»

در رویدادی دیگر نامه ای با ۱۲۰۰ امضا از طرف دانشجویان دانشگاه شیراز صادر شده است. دانشجویان در این نامه خواستار لغو احضاریه های کمیته انضباطی شدند.

۱۳۸۷ اردیبهشت

لیلا جدیدی  
زیمابوه، یا بهتر است گفته شود رابرت موگابه، رییس جمهور این کشور که برای چسبیدن به صندلی قدرت، نتایج انتخابات ماه مارس سال جاری را به رسمیت نمی شمارد، برای اعمال زور در دور دوم انتخابات طرح ریزی می کند. دعوت از جمهوری اسلامی و برخی دیگر از کشورهای ضد دمکراتیک و حذف نهادهای حقوق بشری و غیر دولتی برای نظارت در این انتخابات، مثنی است نمونه خروار از رویکرد دیکتاتور زیمابوه به مساله انتخابات این کشور.

دور دوم انتخابات زیمابوه روز ۲۷ ژوئن (هفتم تیرماه) برگزار خواهد شد. مقامات دولتی درخواست ناظرین غربی، نهادهای حقوق بشری و سازمانهای غیر دولتی برای نظارت را رد کرده و در عوض ۴۷ کشور که شامل چین، روسیه، کشورهای آفریقایی و جمهوری اسلامی می شود را به همدستی فرا خوانده اند. اگر از این واقعیت که در هیچیک از این کشورها در امر انتخابات حتی دمکراسی فرمالیستی هم رعایت نمی شود بگذریم، وقتی مساله به دعوت از رژیم برای نظارت بر اجرای صحیح انتخابات برمی گردد، بیش از آنکه اسفناک باشد مضحک می شود.

پس از انتخابات سراسر قلابی و نمایشی مجلس اسلامی که به طور گسترده نیز از جانب مردم ایران تحریم شده بود، پروسه و آمار و ارقام ساختگی آن حتی نتوانست تایید باندهای درونی رژیم را به دست بیاورد. حال رابرت موگابه، یک از بدنام ترین دشمنان حق رای و نظر، با تایید صلاحیت رژیم جمهوری اسلامی برای امضای نمایش رسوا شده ی خود، اقتضای انتخاباتی مالاها را به طور مضاعف برجسته کرده است.

۳۰ اردیبهشت ۸۷

منصور امان  
آقای مهدی چمران، رییس شورای اسلامی شهر تهران، معتقد است شهر تحت اداره ی او "از نظر آلودگیهای مختلف زیست محیطی در سطح کشور و حتی جهان رکورد دار است" و در جایی دیگر از افزایش پهای خدمات حمل و نقل شهری همزمان با سهمیه بندی بنزین و اجبار شهروندان به استفاده از سرویسهای همگانی، خبر می دهد. با این حال، او و همکارانش در شورای شهر ترجیح داده اند با ۳ میلیارد تومان برداشتی از صندوق عمومی شهروندان تهرانی، به کمک "شیعیان لبنان" بشتابند.

تصمیم شورای اسلامی شهر پس از برگزاری یک نشست غیرعلنی، توسط سخنگوی آن اعلام شد. آقای خسرو دانشجو پرداخت این مبلغ چمران و پورزندگی به لبنان مرتبط کرد و در تلاش برای توضیح این خاصه خرجی از کیسه شهروندان مدعی شد: "سه میلیارد تومان مبلغ قابل توجهی نیست."

در همان هنگامی که آقای دانشجو با شعبده بازی مشغول تبدیل میلیاردها تومان اسکناس رایج به پول خرد بود، حکم تخلیه ۹۰ مدرسه اجاره ای صادر شد تا ۱۸ هزار دانش آموز تهرانی به دلیل "کمبود اعتبار" برای خرید محلهای تحصیل شان، راهی خیابانها شوند.

رفقا: حسن نیک داوری - امیرپرویز پویان - نادر شایگان شام اسبی - اسکندر صادقی نژاد - رحمت الله پیرو نذیری - بهروز دهقانی - حسن معصومی همدانی - علیرضا شهاب رضوی - حبیب برداران خسروشاهی - مریم شاهی - خسرو تره گل - حسین سلاخی - مینا طالب زاده شوشتری - علیرضا رحیمی علی آبادی - حسین موسوی دوست موچالی - رفعت معماران بناب - سلیمان پیوسته حاجی محله - نعمت با شعور - سعید سلطان پور - ماریا کاظمی - اسماعیل هادیان - منصور فرسا - مهدی پهلوان - شهرام میرانی (در هند) - محمدرضا محمدیان باباعلی (کاک رشید) - حمید امیر میرشکاری - ولی سوسنی - منوچهر ویسی - جعفر قنبرنژاد - مهنوش آذرین - شاپور جلیلی - جواد باقری، طی سالهای ۳۹ تاکنون در مبارزه مسلحانه با مزدوران امپریالیسم و ارتجاع و یا در زندانهای دژخیمان ستمگر شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

در مقایسه با غیب شدن بی سر و صدای ۳۵۰ میلیارد تومان در دوره شهرداری آقای احمدی نژاد، اعلام آشکار سبک کردن خزانه همگانی شهر را می توان یک گام به جلو در گستاخی در دست درازی به اموال عمومی ارزیابی کرد. آنچه که پایوران "نظام" با عبارت "شیعیان لبنان" و "کمکهای نرم افزاری و آموزش متخصصان" زیر فرش جارو می کنند، محل هزینه ی اختلاس میلیاردری جدید است. در این باره آقای مروان حماده، وزیر ارتباطات لبنان، توضیح بیشتری داده است. او اطلاع می دهد، کمیته ایرانی کمک به بازسازی لبنان در حال احداث شبکه شوند برای حزب الله است. ۱۷ اردیبهشت ۸۷